

سہ آرامگاہ

برجی

از دوران سلجوقی

نوشتہ : استروناخ ویانگ

پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمہ :

مجید و ہرام

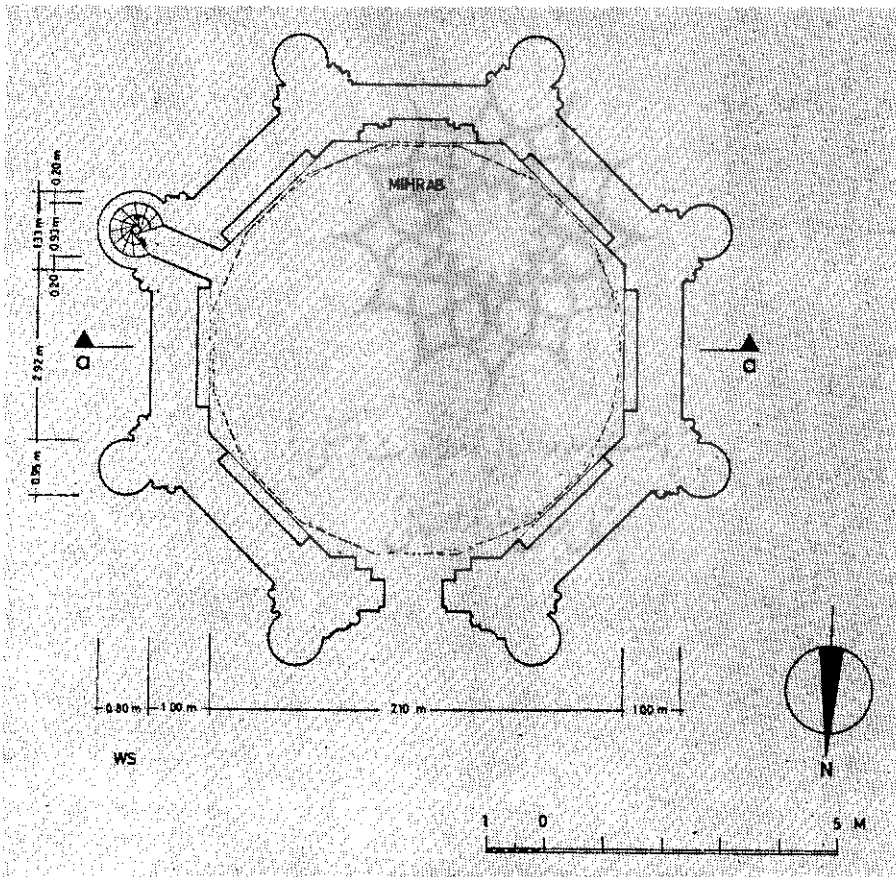


پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## قسمت دوم

در شماره پیش مجله بررسیهای تاریخی، نتیجه پژوهشهای استروناخ و یانگ در باره برج دماوند و برج اول خرقان و همچنین چند سطری هم از چگونگی و موقعیت برج دوم خرقان از نظر خوانندگان گرامی گذشت و اینک بشرح بقیه آن میپردازیم.

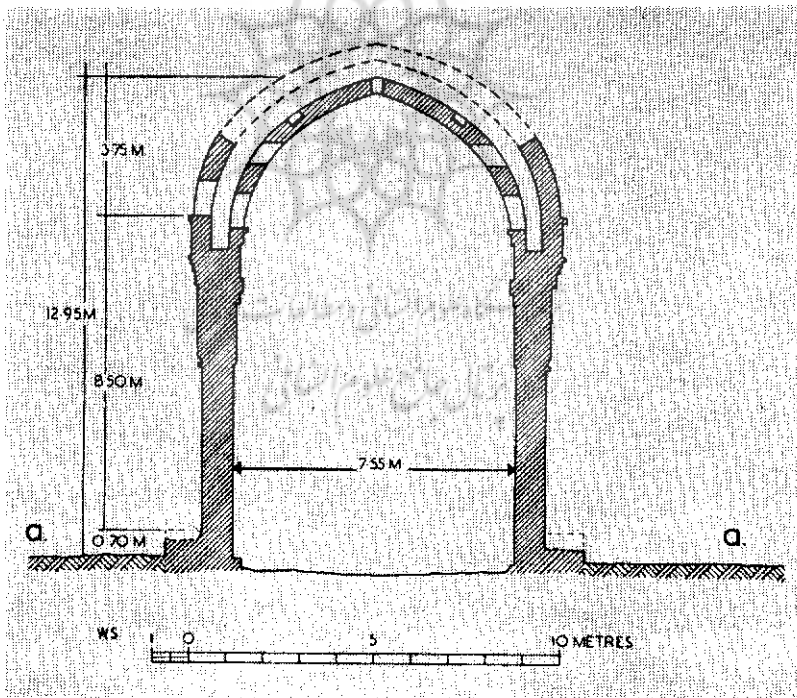
قطع افقی برج دوم (شکل ۱۲) با کمی تفاوت تقریباً مانند برج



شکل ۱۲ - مقطع افقی برج باختری (برج دوم)

اول است و با توجه به قسمتهای مربوط دو آرامگاه مشاهده میگردد که مقایسه دقیق آنها بسیار مشکل است. در اولین برخورد بطور مشخصی پیداست که آرامگاه بعدی دارای ابعاد بلندتری است (تصویر ۷-ب) و این واقعیتی پذیرفتنی است که قسمت اعظم سطوح مرتفع و نمای کامل بدنه برج دوم نمایان هستند. در صورتیکه تمام ارتفاع سطوح برج اول بواسطه بالا آمدن سطح زمین دیده نمیشود و همانطوریکه قبلا ذکر شد کمی کوتاه تر بنظر میآید<sup>۶۸</sup> در واقع اختلاف ارتفاع در دو بنای تاریخی فقط ۵ سانتیمتر است یعنی برج اول کمتر از اندازه حقیقی خود دیده میشود.

و این وقتی معلوم میشود که بخاطر بیاوریم سطح اصلی زمین مجاور برج



شکل ۱۳ - مقطع قائم برج دوم

اولی ممکن است تقریباً کمی بیش از یکمتر پائینتر از سطح کنونی بوده باشد.<sup>۶۹</sup> بدین معنی که حفاری و خاک برداری آینده بایستی این موضوع را تأیید یابد کند. ما باید احتمالاً قبول کنیم که هر قسمت کامل آرامگاه پیشین بایستی شبیه آنچه که در شکل (۱۳) ترسیم شده است باشد و مانند روکش تزئینی آرامگاه برج اولی پوشش رویه ساختمان برج دوم هم یک نمونه کلاسیک دوره سلجوقی بشمار آید (عکس ۲۳-ت). در ابعاد آجرها هم تغییرات کمی دیده میشود طول هر ضلع آنها بین ۲۰-۲۱ سانتیمتر و ضخامت استاندارد آنها در حدود ۵- سانتیمتر میباشد. و باز هم کمی اختلاف در ابعاد آجرهای بکار رفته در تمام ساختمان بچشم میخورد و احتمالاً چیزیکه در این برج بیشتر و بهتر مورد استفاده قرار گرفته است قطعات آجرهای تراشیده شده ای است که در رویه تزئینی بنا بکار رفته اند و در اینجا آنچه قابل تحسین است بند کشیهای روکش تزئینی ستونهای بزرگ طرفین در ورودی است که مانند ستونهای گنبد سرخ مراغه میباشد<sup>۷۰</sup> و از اینرو میتوان با اهمیت و مهارت سازندگان آن پی برد (تصاویر ۲۳ پ و ت).

مهمترین تغییراتی که در تزئین برج دوم بعمل آمده اینست که از بکار بردن خطوط تاریخی اضافی خودداری شده و بطور مخصوصی اسپر بالای در ورودی با اسپرهای پنجگانه ضلع اصلی هماهنگ شده اند. ولی اصولاً با مقایسه اجزاء آن دوسر در ورودی کاملاً مشهود است که معمار در ساختن آن زحمت زیادی را متحمل شده تا آثار ابداعی خود را تا حد امکان بنحوا حسن ارائه دهد.

۶۹- بر طبق اندازه گیری که توسط آقای سالزمن بعمل آمده بلندترین قسمت گنبد درونی برج اول ۱۲/۴۰ متر از کف در ورودی ارتفاع دارد در صورتیکه بلندی گنبد داخلی برج دوم از همان محل مشابه ، ۱۲/۹۵ متر میباشد .

۷۰- رساله به ص ۱۹۲ و شکل ۸۷ بخش اول جلد یکم آثار ایران تألیف گداز.

اسپر آجری برجسته کوچک که بطور بی سابقه‌ای در روی ضلع یکم برج اول نمایش داده شده بود در ضلع ۲ و ۸ برج دوم با طرح ساده‌تری دیده میشود. ازدیدن طرح نسبتاً ساده بی‌دربی میتوان پی برد که معمار با ابتکار و هنرمندی خود طرح جدیدی را بوجود آورده است بدین ترتیب که رومیهاییکه (تصاویر ۱۶-الف و ۱۸-الف-ب و ۲۳-الف) معمولاً میبایستی در جاهای کم‌وسعت و کم-ارتفاع بکار برده شود در یک نمونه وسیع‌تر و بلندتر بکار برده است ولی باید دانست که اساس طرح آن مانند گنبد سرخ اخیرالد کرمی باشد (۱۱۴۷ میلادی-۵۴۲ هجری).<sup>۷۱</sup> طرح اصلی آن در روی ضلع ۳ و ۷ برج اولی بطور نامشخصی دیده میشود.<sup>۷۲</sup>

اسپرهای زیر رومیها با طرحی از آجرهای بریده و ظریفی تزئین شده و هر یک از سفالهای لعابی برجسته که در برج دوم بجای مدالهای تزئینی برج اول بکار رفته در بین این آجرها قرار گرفته‌اند<sup>۷۳</sup> و طرح هندسی و مجلل داخل اسپرهای مذکور با مهارت قابل ملاحظه‌ای تزئین شده‌اند.

وقسمتی از اشکال لعابی آن در ردیف آثار تاریخی پیشین و مجاور خود یعنی آرامگاه اولجایتو در سلطانیه میباید (۱۳-۱۳۰۹/۱۳-۷۰۹ هجری).<sup>۷۴</sup> امکان دارد لوزیهای راسته و خفته یک در میان با حاشیه باریک تزئینی اسپرهای زیر رومیها شبیه طرح بالای در ورودی آرامگاه یوسف بن کاتیر - Usef - B-Katir در نخجوان نیز از این طرح الهام گرفته شده باشد ۵۷-۵۵۵۶-۱۱۹۳ م.<sup>۷۵</sup>

۷۱- تصویر ۳۴-آی-الف سوروی

۷۲- رسك به تصاویر ۱۹-الف و ۲۱-الف

۷۳- شبیه این طرح در وسط اسپر بالای در ورودی گنبد سرخ وجود دارد.

۷۴- رسك به شکل ۲۴۳ هیل و گرابر

۷۵- رسك به شکل ۲۲۸ هیل و گرابر

مخصوصاً با جدا شدن چهار سطر متن تاریخی از نوشته‌های قرآنی و بکار بردن یک سری طرح‌های آجری ظریف بشکوه هنری این گنبد افزوده شده است.<sup>۷۶</sup> و سوره ۲۳ آیه ۱۱۵ بایک طرح آجری قابل ملاحظه‌ای در روی حاشیه بالای هر ضلع در پیرامون گنبد دیده می‌شود و همچنین در ستون‌های باریک هر طرف نیز آجرهای تراشیده زیبا و ظریفی بچشم می‌خورد. (۱۸ - الف)

با بررسی اسپرهای پهلویی مشاهده می‌گردد که بیشتر طرح‌های تزئینی هندسی اسپرهای سطح جانبی نسبت به اسپرهای اطراف در ورودی بتدریج بطور محسوسی تغییر نموده‌اند. برای مثال چهار طرف نزدیکترین اسپرها به در ورودی فقط نشان دهنده طرح‌های آجری اسپرهای روبرو و هم سطح می‌باشند (تصاویر ۱۱ - ت و ۱۹ - الف و ۲۱ - الف و ب).

همچنین فقط چهار ستون شمالی می‌توانند طرح‌های آنها را داشته باشند (تصویر ۱۶) اگرچه ستون‌های دو طرف در ورودی نظیر یکدیگر هستند و لسی بکار بردن گل و بوته موجود روی آنها در ضلع جنوبی قابل توجه می‌باشد.<sup>۷۷</sup> (تصویر ۲۰ - الف)

شاید یکی از جالب‌ترین و جدیدترین شیوه‌هایی که در برج دومی برای اولین مرتبه معمول شده حاشیه منحنی لبه جلوی هر رومی اسپرهای بالائی باشد. این شیوه در زیر طاق باریک هر یک از رومی‌های ضلع ۲ تا ۸ با آجرهای مخصوص و کمی باریکتر مورد استفاده قرار گرفته است. در ساختن انواع و اقسام لبه و کناره‌های ساختمان مهارت زیادی بکار رفته است و باین ترتیب علاوه بر زیبایی آنها توانسته‌اند سایه‌های عمودی را به حداقل ممکنه تقلیل

۷۶ - رساله به ص ۲۳۰ همان کتاب

۷۷ - رساله به ص ۲۴۰ همان کتاب

بدهند تا تمام طرحهای گود هم بخوبی نمایش داده شوند. (تصویر ۱۷- الف) با وجود اینکه سازنده گنبد سرخ مراغه کاملاً از طرحهای خرقان الهام گرفته است، دیدن سه نمونه از اسپرهای صاف و رومیهای دوبرخی آن که کاملتر از رومیهای خرقان هستند جالب توجه می باشد.<sup>۷۸</sup>

طرح هندسی دیگری که در گنبد سرخ مراغه در سطح خارجی برج بعمل نیامده تقسیم بندی اسپرهای دیوار اصلی می باشد.

شاید یکی از استثنائی ترین و بی سابقه ترین ابتکاری که معمار خرقان معمول سازی نموده تقسیم بندی مبتکرانه ایست که با مهارت زیادی بخش بالائی و پائینی هر اسپر را با اسپرهای کوچک از هم جدا ساخته است.

بطوریکه در تصاویر (۱۱ - تو ۱۹ - الف و ۲۱ ب) دیده میشود یک سری آرایش گلو بته ای در قسمتهای بزرگ و کوچک اسپرهای هفت ضلع بکار رفته است. عمل ابتکاری معمار خرقان فقط منحصر بخود اسپرهای کوچک نبوده بلکه قسمت بالای آنها را با طرحی تقریباً نظیر ته زورق مزین نموده و هر یک از اسپرهای کوچک را در اسپر چهار گوشه نسبتاً بزرگتری محاط کرده است. طرح داخلی اسپرهای کوچک مانند طرح ضلع کوچکتر از بنای آرامگاه سامانیان در بخارا الهام گرفته میباشد.<sup>۷۹</sup>

در بالای نوشته های قرآنی که مشتمل بر آیه های ۳-۲۱ سوره ۵۹ است، طرحهای تزئینی هندسی که از تلاقی خطوط مستقیم و عمودی با یکدیگر درست شده در هشت حاشیه آرایشی که هر یک شامل یک سری اشکال کاملاً هندسی

۷۸- برای دیدن شکل نمونه طرح رومی ضلع یک به تصویر ۳۴-آب سوروی و همچنین برای دیدن نمونه طرح رومی اضلاع ۸ و ۲ به شکل ۹۲ و ص ۱۳۴ - آثار ایران تألیف گدار و برای دیدن نمونه طرح اضلاع ۷ و ۳ به شکل ۲۲۳ همان کتاب هیل و گرابر نگاه کنید.

۷۹- ر-ک به تصاویر ۲۶۴-الف و ب سوروی

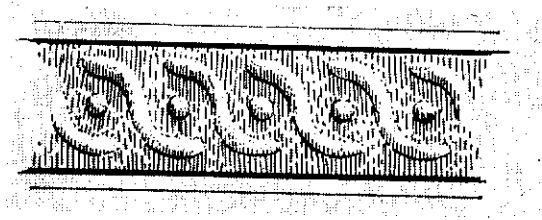


می‌باشد دیده میشود (تصاویر ۲۲- الف تاج). در واقع شکی نیست که هشت حاشیه مذکور بمنظور افزودن اهمیت و زینت دادن به خطوط قرآنی در فاصله بین رومیها و همین حاشیه های تزئینی در هر دو برج خرقان نوشته شده است بکار رفته‌اند. از بالای ۷ ستون محکم حلقه گنبد باشیب مسایمی بالا رفته و در بعضی جاها خطوط کوفی در روی خود حلقه گنبد نوشته شده‌اند. با اینکه در شکل کلاهک قبه کوچک اولیه تردیدی هست ولی از بقایای موجود گنبد برج دوم چنین استنباط می‌گردد که ممکن است نمی‌توانسته‌اند کلاهکهای اولیه را که هنوز پابرجا هستند بهتر بسازند. فقط ارتفاع ستون تسو خالی مخصوص راه پله تا بالای کتیبه افقی خطوط کوفی میرسد.

کمی پائین‌تر از گنبد خارجی يك در گاهی دست نخورده بالای راه پله (تصویر ۲۳ - ب) وجود دارد که ضخامت تقریبی دریچه های طاقدار قوسی ضلع ۱ و ضلع ۳ را مشخص می‌سازد. هم‌چنین اگر چه قسمتی از شیار های برجسته روی گنبد خارجی بمرور زمان از بین رفته است معذالک شواهد موجود نشان میدهند که فاصله شیار های تزئینی پوشش گنبد های خارجی هر دو برج بيك اندازه تقسیم بندی شده‌اند. در واقع فقط مسئله اختلاف ارتفاع مشهوده بین ردیف افقی حفره های جاچوبستی نزدیک بالای گنبد داخلی برج دوم (عکس ۷- ب) شگفت‌آور است و احتمال دارد که این حفره ها عملاً هنگام گچ کاری مرحله ثانوی مورد استفاده قرار گرفته باشند.

بالاخره به طرح گچ بریهای طوماری پی‌در پی (شکل ۱۴) که بجای گچ- بریهای تزئینی کوچک آرامگاه قدیمی تر بکار رفته‌اند بایستی توجه نمود و در گچ کاریهای دیگر تا حد امکان صرفه جوئی بعمل آمده است و فقط در قسمت

بالا هشت حاشیه تزئینی و قسمت بالای اسپر پائین ضلع يك گچ بریهای انجام شده است. (تصویر ۲۳-الف)



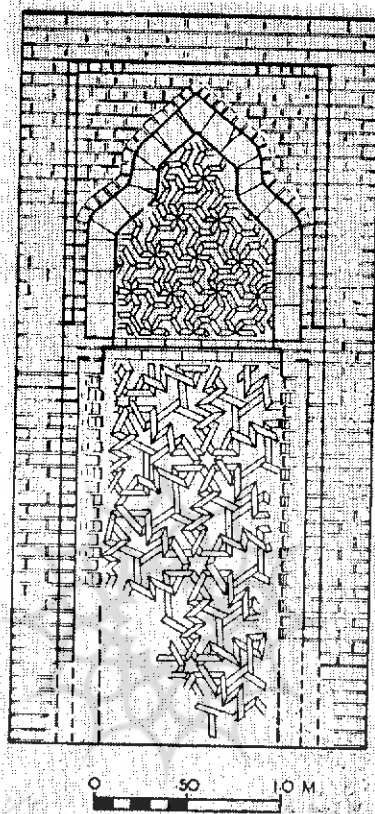
شکل ۱۴ - گچ بریهای طوماری برج دوم به مقیاس تقریبی ۱/۴

مهمترین اختلاف آرامگاه دوم از آرامگاه اولی این است که در قسمت داخلی آرامگاه دومی گچ کاری بعمل نیامده است (تصویر ۴۴-الف). آجرکاری خشتی از نوع آجرهای ساده و معمولی بکار رفته است و رنگ آن از رنگ خاکستری تیره و تقریباً قهوه‌ای روشن شروع میشود و سپس به رنگ زمرردو نقره‌ای گرایش می‌یابند.

برج دوم از نظر طرح کلی کاملاً تصویری از برج اولی است با این تفاوت که دو پنجره مستطیل شکل در خود گنبد و یک در گاهی در داخل آن (تصویر ۲۳-پ) وجود دارد. و علاوه بر اینها آجرهای مرغوب تری در محراب ضلع پنج بکار برده اند<sup>۸۰</sup> (شکل ۱۵ و ۲۴-ب) و نیز اولین لایه آجری که در روی پایه سنگی آن محکم شده بخوبی دیده میشود. (تصویر ۲۴-پ).

تنها علامت مشخصه برج دوم در بالای در ورودی دیده میشود. زیرا

۸۰- ولی باید بخاطر داشت که محراب هرگز تمام نشده بوده و تقریباً با محرابهای همزمان خود شبیه می‌باشد (تصویر ۳۰۸-ب سووری) و نیز بنظر میرسد که قاب حاشیه بیرونی آن برای نوشتن خطوطی در روی آن آماده شده است.



شکل ۱۵ - محراب دیوار جنوبی (ضلع ۵) برج دوم

بیشتر آجرکاریهای بالای سردر آن ظاهراً مدتها بعد ساخته شده است و در واقع معلوم است که اسپر ساده و بالای در ورودی کوتاه کنونی (تصویر ۲۳-الف) بعداً ساخته شده است و بررسی و تحقیقات بعدی در این محل در ورودی ورومی اولیه بالای آن را آشکار خواهد ساخت<sup>۸۱</sup>.

۸۱- در این زمینه باید تحقیقی اشاره شود و آن این است که وزارت فرهنگ و هنر ایران با علاقمندی کاوش را محدود ساخته و برای بهتر ساختن مطالعات در امور ساختمانی به تعمیر و مرمت آرامگاههای خرقان پرداخته‌اند و این جای خوشبختی بسیار است.

## نتیجه :

هریک از سه برج آرامگاههای مورد بحث ما، سندی است دال بر وجود انواع آرامگاههای هشت ضلعی که در هر گوشه آن یک ستون ساخته شده است و جز این نوع بنای آجری دیگری در سده یازدهم میلادی (۵ هجری) دیده نشده است. با وجود تمام پیشنهادها که پس از بررسیهای زیاد اظهار شده احتمالاً بعید به نظر میرسد که چنین آرامگاههایی نادر بوده باشند.<sup>۸۲</sup> چنانکه پس از بررسی معلوم شد که برج اولی نظیر یک آرامگاه چهار گوشه دوره ساسانیان و بقایای آرامگاه سامانیان در بخارا می باشد<sup>۸۳</sup> و تعدادی آرامگاه مربوط به اوایل دوره سلجوقی یافت شده است که ادامه سبک آنها آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی می باشد که کمترین شباهت و پیوندی با طرح کلی بنای انواع آرایش برج دوم و برج دماوند و بقعه امام دور Imam Dur که کمی پیش از ۱۰۹۴ میلادی (۴۸۷ هجری) در عراق ساخته شده است دیده نمیشود.<sup>۸۴</sup> دومین سری آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی ستوندار که به برجهای خرقان شباهت دارند و ما آنها را دیده ایم عبارتند از:

گنبد سرخ مراغه و گنبد کبود (۷ - ۱۱۹۶ م / ۵۹۲ ه) و گنبد غفاریا<sup>۸۵</sup>  
 Qaffariya (۳۶-۱۳۱۳ م / ۳۷-۷۱۶) واقع در مراغه و همچنین آرامگاه شلبیوقلو<sup>۸۶</sup>  
 Chelebioghlu واقع در سلطانیه که هر یک به سهم خود شباهت زیادی به آثار تاریخی خرقان دارند و نیز آرامگاه خواجه اتابک از بناهایی است که در سده

۸۲- مخصوصاً سنگ پیشین آرامگاههای شماره (همان کتاب) که همه قسمت های آن برای چاپ آماده شده است.

۸۳- ر.ک به صفحات ۹۴۵-۹ و ۷۰-۱۲۶۷ سوری

۸۴- ر.ک به ۲۵۲ کرسول

۸۵- ر.ک به تصاویر ۲-۲۴۱ سوری

۸۶- ر.ک به تصویر ۳۵۴-الف سوری

دوازدهم میلادی (چهارم هجری) در کرمان ساخته شده و با وجود اینکه نسبت به برجهای خرقان در فاصله دورتری قرار گرفته شباهت زیادی با آنها دارد و از برج دوم خرقان هم (شکل ۱۲) پر بیرایه تر است و می توان آنرا یکی از بهترین نوع آرامگاههای هشت ضلعی ایران محسوب داشت.<sup>۸۷</sup> برجهای هشت ضلعی بدون ستون نظیر آرامگاه آجری شهرستان Shahrestan واقع در جنوب شرقی اصفهان<sup>۸۸</sup> نمایشگر قسمت اعظم طرح برجهای خرقان است ولی این برج هشت گوشه ساده باستانی را بایستی نمونه ای از بنای تاریخی ابرقو که در تاریخ ۴۴۸ هجری (۱۰۵۶ م) ساخته شده محسوب داشت.<sup>۸۹</sup> زیرا علی رغم آنچه که زمانی تصور می شد شکل دایره کامل یادایره ای که کمی تغییر یافته اساس طرح قدیمترین برجهای آرامگاههای شمال ایران بوده است<sup>۹۰</sup> معذالک شواهد جامعی که در ابرقو دماوند و برجهای خرقان وجود دارد حاکی از این است که درازمنه قدیم و پیش از آنها انواع فرمهای راست گوشه نیز متداول بوده است. آرامگاه سامانیان در بخارا تنها نمونه منحصر بفرد آثار چهار گوشه سده دهم میلادی (چهارم هجری) نیست بلکه بطور کلی پایه قدیمی ترین مناره های ایران چهار گوشه و یا هشت ضلعی ساخته میشده اند.<sup>۹۱</sup> و چگونگی پیدایش و بستگیهای مناره های مدور نخستین دهه های سده یازدهم<sup>۹۲</sup> میلادی (پنجم هجری) نیز برای اثبات این که برج آرامگاههای مدور از ابتکارات همان دوره ها بوده کافی هستند.

برای اثبات این موضوع مقطع افقی آرامگاه دوازده ضلعی ستوندار برج

۸۷- شکل ۳۶۰ سوری

۸۸- تصویر ۳۳۴- الف سوری

۸۹- تصاویر ۳۵-۶ سوری

۹۰- ر-ک به ص ۱۰۲۲ سوری

۹۱- ر-ک به ص ۱۰۲۶ سوری

۹۲- ر-ک به ص ۱۰۲۶ و شکل ۳۱۴ سوری

آرامگاه شهر ری ۹۳ گواه بهتری میباشد زیرا احتمال می رود که بین آن و تعدادی از آرامگاههای دوره آل بویه که در اواخر سده دهم یا یازدهم میلادی (چهار و پنجم هجری) ساخته شده اند بستگیهایی وجود داشته باشند. ۹۴

برج شهر ری که اکنون زوایای آن از بین رفته و تقریباً مدور شده است اگرچه طرح آن بسیار کمیاب است ولی مهمتر و بهتر از اشکال برجهای دیگر بنظر میرسد و می توان گفت از طرح کنبند قابوس که از ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۷ هجری ساخته شده الهام گرفته است. ۹۵

باتوجه به راه پله میان ستونهای برجهای خرقان مشاهده میگردد فقدان هر نوع آجرهای مشابه این امکان را میدهد که بستگیهای طرحهای کم عمر محلی را مورد بررسی قرار دهیم و در واقع نقش عملی و اساسی این پله ها برای ما پوشیده مانده است. احتمال دارد که از این راه پله ها برای تسهیل کارهای تعمیراتی و یا برای جمع آوری فضولات پرندگان از راهروهای باریک موجود در دور تادور هر کنبند استفاده بعمل میآمده است. بهرحال هیچ یک از دلایل فوق نمیتوانند جواب قانع کننده و مطمئنی باشند ولی از طرف دیگر می توانیم بدو عامل جداگانه و مهمی که نشان دهنده منابع الهام بخش اصلی است اشاره کنیم یکی از دو عامل تحول سریع مناره های مدور و دیگری پیدایش پله های مار پیچی سنگی است که در دیوارهای قطور برجهای آرامگاههای اولیه بکار میرفته اند. ۹۶

و همچنین شاید ما از بقایای سنگی پله مار پیچ یکی از ستونهای کنبند یک پوششی مسجدی در سامره بتوانیم بدکر

۹۳- راک به ۲۷۲ گزارشات سوم باستانشناسی تألیف آقای محمد تقی مصطفوی ۱۹۵۴

۹۴- راک به بولتن هنر اسلامی تألیف شفرود (Dorothy. G. Shepherd) ص ۷۵ - ف شماره

۴ سال ۴۹ (آوریل ۱۹۶۲) و ص ۶۵- شماره ۴ سال ۵ (آوریل ۱۹۶۳).

۹۵- راک به شکل ۳۲۳ و تصاویر ۸-۳۳۷ سوری

۹۶- مانند باستانشناسی ری همان کتاب آقای محمد تقی مصطفوی

حالت ستونهای پله دار دوره پیش از سلجوقیان که بلبه بام مسطح منتهی میشدند بپردازیم. درباره اینسکه از زمانی گنبدهای دو پوششی مورد توجه قرار گرفته کسی آگاه نیست، از این رو نمیتوان نخستین نمونه گنبدهای دو پوششی دوره آل بویه را معین کرد. وجود مهارت فنی مطلوبی که در هر دو گنبد خرقان مشهود است. گویای آن است که معمار مزبور از ستونهای متداول آن زمان پیروی نموده است. با اینسکه اظهار نظر فوق درباره این عقیده، متزلزل بنظر میرسد ولی بی ارزش هم نیست. بدیهی است که برای مثال می توان گفت که طرح سقف گنبد آرامگاه اولی خرقان بقدر کافی پیشرفته بوده است که بعنوان مدل برای سقف آرامگاه دومی بکار برده شده است و همچنین معلوم شده است که در شمال ایران همزمان با سال ۱۰۲۲ میلادی (۴۱۳ هجری) گنبد داخلی را با سقف مخروطی بلند آن هماهنگ میکردند.<sup>۹۷</sup> و همچنین گمان میرود که آرامگاه سنگ بست هم راهرو مرتفعی داشته است (نقل شده از اظهارات مردم بومی<sup>۹۸</sup>) و حتی اگر هدف اصلی (تاریخ دقیق آن) معلوم نباشد وجود پله مذکور در گنبد ری Rey شایان عطف توجه می باشد<sup>۹۹</sup>. از نظر روکش تزئینی آجری هم برجهای دماوند و خرقان از جمله مدارك زنده دیگری بشمار می روند بخصوص طرح های برجسته و گود برج دماوند شباهت زیادی به نمونه های قلم کاری روکش کچی سنگ بست (۱۰۲۸ - ۹۹۷/م ۴۱۹ - ۳۸۷ هجری) دارند و نیز در جای

۹۷- رك به ص ۱۱۰- آثار ایران تألیف گدار .

۹۸- رك به ص ۹۸۶ سوری

۹۹- به یاورقی ۹۳ مراجعه شود (آقای محمدتقی مصطفوی در کتاب خود شرح داده اند). از زمانیکه مأخذ ادبی نمی توانند کمک کنند، مقدسی مورخ عرب به گواه دیگری اشاره کرده است: می نویسند که در روی آرامگاههای پادشاهان آل بویه گنبدهای بلندی می ساخته اند و ضمن آن به آرامگاه فخرالدوله پادشاه آل بویه اشاره میکند (سالهای ۹۷-۹۷۶ میلادی ۳۶-۲۸۷ هجری) و نیز در همان مقاله دو برج تاریخی دیگر را معرفی میکند (کتاب حکومت یا قوانین پادشاهان تألیف دریک ( H. Darke ) ص ۱۷۲ چاپ ۱۹۶۰ میلادی و جلد سوم دایرة المعارف اسلامی تألیف مینورسکی ص ۱۱۰۷ چاپ ۱۹۳۶.

دیگر شرودر Seroeder اظهار نموده است ۱۰۰ ابداع و روکش آجری که با استادی و مهارت بعمل آمده است از سبکهای مشخص معماری ایران در دوره فرمانروائی سلسله آل بویه بوده است. علاوه بر همه اینها طرحهای مشخصی که از تمرکز انبوهی سایه روشن يك حالت دراماتیکی در روی هفده اسپر برج آرامگاه دماوند بوجود آورده اند مشاهده میگردند. طرحهای اصلی هر يك از اسپرهای هفده گانه برج دماوند بطور محسوسی بایکدیگر فرق دارند (شکل ۴) اگر ما آرامگاههای دوره بعد از سامانیان را که با آرامگاههای مشابه، مذکور را در سده دهم میلادی (۴ هجری) مورد بررسی قرار دهیم متوجه میشویم که این طرحها تا چه حد تحت تأثیر طرح کاشیکاریهای کف گنبدهایی که در دوره بنی امیه مورد توجه بوده قرار گرفته و مؤثر واقع شده است و دفعتاً ظاهر شده اند. ۱۰۱ طرحهایی مانند ۷ و ۸، لوزیهای راسته و خفته، (پلهای) هشت ضلعیهای زنجیری و اشکال ستاره ای از نوع آنهایی که در تصویر (۴-پ) نشان داده شده اند درست مانند طرح کاشیکاریهای سده هشتم میلادی (سده دوم هجری) خربت واقع در مفسار ۱۰۲ Khirbat at Mefjar با توجه به طرحهای خرقان ملاحظه میشود که بطور حیرت انگیزی نسبت به زمان خود پیشرفته هستند. بعدی که نقوش بسیار زیبا و برازنده ای زینت بخش گنبدهای بالای اسپرهای آرامگاه اول خرقان می باشند و طرحهای سایه دار دیده نمیشود و نیز در برجهای خرقان بجای طرحهای ساده آجری برج دماوند يك سری طرحهای پیچ در پیچ جدیدی دیده میشود در حقیقت می توان گفت که طرح اختصاصی اسپر ضلع

۱۰۰- رك به صفحات ۹۸۷ و ۱۰۲۸ سوری

۱۰۱- رك به صفحات ۱-۳۳۰ خربت و مفسار تألیف هملتون (۱۹۵۹)

۱۰۲- رك به هملتون تصاویر ۱۷-۱-۲۸ و ۲۲-۲-۲۸ و ۲۰-۳-۳۳ و ل-۲۴ که عکسهای کمی رنگی هستند.



چهارم (تصویر ۱۰-پ) و طرحهای آجری که در ستونهای ضلع ۵ و تصویر (۱۰-ت) بکاررفته در اسپرهای تزئینی برج دماوند دیده نشده است ولی حقیقت قابل توجه این است که این طرحهای سه گانه فقط در بند کشیهای مستقیم و محل اتصال آجرها بکاررفته اند و دو طرح آرایشی خیلی مختلف بوجود آورده اند. ۱۰۳ در بین سایر نقوش اسپرهای تزئینی برج اول موجود در اضلاع ۳ و ۶ (تصاویر ۱۰-ب و ت و ۱۱-الف) و طرحهای سه ستون دیگر از اسپرهای ۷ و ۳ (تصاویر ۱۰-پ سمت راست و ۱۱-ب) قابل ملاحظه میباشند. هنوز هم در این زمان این گونه متیفهای هندسی زیبا که قبلاً ساخته میشده مورد پسند می باشد بطوریکه طرح لوزیهای متروک تغییر شکل یافته و در یک سری طرحهای توسعه یافته و شگفت آور جدید متجلی گردیده است.

علاوه بر همه اینها این خصایص منحصر بفرد نمای خارجی برج اول خرقان حائز اهمیت و قابل تعین میباشد و یابیش از سی طرح خارجی متحدالشکل که هر یک به تنهایی در نوع خود از نظر استحکام و زیبایی بصورت کمال مطلوب در آمده اند. از اینرو تصویری مبنی بر اینکه نواحی غربی یا مرکزی ایران تا قبل از پایان سده یازدهم میلادی (پنجم هجری) فاقد انواع آرایشهای آجری بوده است بکلی متروک شناخته میشود. ۱۰۴ و در حقیقت مشکوک بنظر میرسد که چرا نوع آجرکاری برج خرقان مرغوبتر بوده است زیرا علت آن معلوم نیست. بعلاوه مجموعه شواهدی که در برج دماوند و برج اول خرقان و برج دوم خرقان وجود دارند (تقریباً با هفتاد طرح بی نظیری که در آرایش نمای

۱۰۳- تفاوت کلی بین دوشینی بر حسب مقایرتی که دارند ممکن است غیر قابل توضیح باشد ولی باید بخاطر داشته باشیم که انتخاب متیفها فوق العاده دشوار است و بدون داشتن اطلاعات وسیعی از بناهای تاریخی که بعنوان راهنما خواهند بود نباید تفاوتهای زیادی بین دو ناحیه هموار قائل شویم و بهتر است بررسی مجددی در خصوصیات معماری ایران و آسیای مرکزی بعمل آوریم.

خارجی آنها بکار رفته (چنین وانمود می‌سازند که در آن زمان فرم هشت ضلعی توسعه زیادی داشته و مخصوصاً از نقطه نظر آرایشی و طرح‌های تزئینی بسیار حائز اهمیت بوده‌اند و از نظر تزئین به عالیترین درجه آرایش خود رسیده بودند تا جائیکه نقشی مافوق این طرح‌ها نمی‌توان به یک آرامگاه مدور اضافه نمود، معمولاً هر یک از اضلاع یک آرامگاه چهار ضلعی را باید بدواسط تقسیم نمود (مانند اضلاع گنبد سرخ). با وجود اینکه نمونه‌ای موجود نیست که به آن اشاره کنیم ولی بهتر است بپذیریم که اسپرهای آرامگاه دوازده ضلعی همیشه از هر جهت بهترین نوع مطلوب بوده‌اند.

تنها مطلب دیگری که قابل ملاحظه می‌باشد اثر عوامل طبیعی است که نمیتوان اثرات آن را دقیقاً اظهار نمود و یکی از آنها حرکت نور خورشید است که مشاهده می‌گردد خصوصیات هر یک از اسپرها را لحظه به لحظه تغییر میدهد.

بالاخره اگر استحکام و گیرائی برج اول موجب تمایز آن از انواع پیشین خود گردد، شیوه بهتر و شکوه و پیراستگی برج دوم آنرا در ردیف عالیترین آثار تاریخی در آورده و سبک آن بعنوان سبب معماری الهام بخش سدهای بعد از خود بوده است. و با وجود این که بحال اولیه باقی‌نمانده اشکال موجود بنا هرگز در هم نشده اند و مصالح آن نیز مرغوبتر از مصالحی است که در گنبد کبود (۱۱۹۶م-۵۹۳ هجری) که بعد از آن ساخته شده است بکار رفته است. ۱۰۰ و همچنین با توجه به آرایش بسیاری از آرامگاه‌های چهار ضلعی یا هشت ضلعی آشکارا دیده میشود که در بکار بردن کاشیهای لعابی ۱۰۶ از بناهای تاریخی خرقان متأثر شده‌اند و استفاده از نوع آجرهای ساده برج دوم به عنوان یک سنت قابل ملاحظه‌ای در تاریخ معماری دوره اسلامی پای برجا مانده است.

۱۰۵- تصویر ۳۴۲-ب سوروی

۱۰۶- این فقط موضوعی است که در گنبد سرخ مراغه مراعات شده است.

## هوقعبت و شرح کلی تصاویر

- ۱- الف. محوردر ورودی در ۱۶۴ درجه شمال غربی حقیقی رانشان می‌دهد.
- ۲- الف. آجرهای مربع یا تقریباً مربع ستونهای برجسته در میان همه حفره های جای چوبستی در این تصاویر دیده میشوند.
- ۳- پ. حلقه گنبد دارای ۲۱ لایه آجری بوده و قسمت بالائی آن ضمن تعمیر، سفیدکاری شده و نیز در دیوارهای جانبی گچ کاری بادوام بعمل آمده است.
- ۴- الف. يك کتیبه مخصوص که با ستاره‌هائی مشخص شده است از مسجد ساوه (از بناهای سال ۱۶۰۱ میلادی و ۴۵۳ هجری) اقتباس شده است رجوع شود به جلد دوم معماری اسلامی اسمیت Smith بخش دوم شکل ۲۳ و همچنین برای آگاهی بیشتر به صفحه ۱۶۳ همان کتاب اسمیت توجه شود.
- ۵- ب. يك نوع آجر تراشیده نامنظم که شاید هنگام شکستن نسبت به جای خالی تخمین زده شده است در گوشه سمت چپ کف بنا دیده میشود.
- ۶- الف. پوشش تزیینی ستونهای کلبرك دارو گلپای آرایشی شش پر که باشکوه زیادی. مشاهده میگردد و در قسمت پایین پایه سنگی دورا پله برج بقایای سیمان روکش بنا مشخص شده و در پایه بنا آجرهای کم ملات کار گذاشته شده است و بالاخره قسمتهای بندکشی نشده هم دارای خصوصیات قسمتهای بالائی هستند.
- ۶- ب. اثر انگشت در بندکشی روی ستون سمت چپی و همچنین در ستونهایی که دارای طرحهای پیچیده می‌باشند مشهود است.
- ۶- پ. مجدداً چند طرح نادر در روکش آرایشی ستونها به چشم می‌خورد.
- ۷- الف. شکل کامل هر دو اسپر و چهار طرف ستونهای جانبی در ورودی نمایش داده شده است.

۷- ب. دورنمایی از اولین دید دیوارهایی که در این تصویر دیده میشوند در چندین سال اخیر ساخته شده‌اند.

۸- الف. طرح ستون سمت راستی برج اول مانند ستون طرف دیگر است و با طرح ساده ستون داخلی مسجد حیدریه قزوین یکسان میباشد.

۸- ب. خانه‌های بسیاری در دهکده و حصار ارمنی در آن سوی برج سمت راستی دیده میشوند.

۹- الف. نقوش وسط هر دو مدال تزئینی بر جسته شبیه نقوش مسجد جامع قدیمی گلپایگان میباشد و گمان میرود که از آن اقتباس شده باشد.

۹- ب. شکل مخصوص و طرح پیچ در پیچ زیر لبه رومی‌ها و گچ بریهای برجسته داخلی اسپرهای زیر رومیها و آجرهایی که سه گوشه کار گذاشته‌اند و مینیاتور کاریهای برجسته با حاشیه‌های مهره‌ای که غالباً برای تنوع گچ - بریها از اوایل سده هشتم میلادی ( سده دوم هجری ) تا سده دهم میلادی ( سده چهارم ) بکار میرفته است، ممکن است که از گچ بریهای زمان خود الهام گرفته باشند. ر. ک به هامیلتون R.W. Hamilton و شکل ۱۵۵ همان کتاب و شکل ۴۵۵ و تصویر ۲۶۸ - سوری Survey.

۱۰- ب. دیوار خارجی هر ستون راه پله‌ها بطور کامل نشان داده شده و از روکش سنگ چین پایه دیوارها بهتر ساخته شده‌اند.

۱۱- پ. طرح ریزی این اسپر که نظیر آن در کنبد برج آرامگاه چهل دختران ساخته شده ( ۱۰۵۶ م ۴۴۸ هجری ) تصویر ۳۴۰ و شکل ۱۹۹ هیل و گرابرا نگاه کنید.

۱۲- الف. کتیبه ایست که بی نهایت ساده ساخته شده است و یکی از انواع طرحهای دوازده، هشت و یا شش طرفه در برجهای خرقان را نمایش میدهد.

۱۲- ب. طرح کتیبه ایست که در روی ضلع دوم بکار رفته است یکی از طرحهای مورد پسند و متداول سده های یازدهم و دوازدهم میلادی (سده پنجم و ششم هجری) بوده است.

۱۲- پ. شاید معمار در ساختن برج اول خود نمائی نموده باشد و از اینرو به سبب دارا بودن خصوصیات درهم و پیچیده در برج دوم بکار نرفته است.

۱۲- ت. کتیبه درهمی است که در بین بقیه کتیبه ها منحصر بفرد است زیرا بطور کلی از آجرهای چار که ساخته شده است و این طرح در مجاورت کتیبه ضلع هشت (تصویر ۱۱- پ) غیر مترقبه به نظر میرسد و هر بیننده غیر متخصص هم می تواند اظهار کند که از هر جهت ساده و ابتدائی ساخته شده است.

۱۸- ب. در این عکس نشانه ریزش پنجره کوچک بالای رومی و همچنین طرحهای لوزی شکل که بین حد نهائی بدنه و حلقه گنبد در دورتادور بنا ساخته شده نمایش داده شده است.

۱۹- الف. باستانهای دوایر کوچکتر درهمه جا طرحهای آجری برجسته بوده و دو اسپر کوچک و رومی آن دارای طرح ساده تر از اسپر ضلع دوم میباشد ولی طرح ستونهای کوچک به یک سبک جدیدی تغییر شکل یافته است.

۱۹- ب. بالای رومیهای ضلع چهارم و پنجم و ششم آجرها را خفته و راسته قرار داده اند و نقوش گل و بوته ای که در خطوط مستقیم بوجود آمده در زیر رومی مربوطه دیده میشود.

۲۰- الف اسپرهای کوچک ضلع سه دیده میشوند.

۲۰- ب در اینجا سه طرح کوچک درست برعکس طرحهای ضلع چهارم ساخته شده‌اند.

۲۱- ب. نشانه درهم برهمی در پائین اسپر ضلع دوم که مجدد ضمن تعمیر تقریباً بشکل اولیه خود درآمده است. در تصویر (۱۱- ت) که بطور کلی هر دو طرح اولی و بعدی با مهارتی ساخته شده‌اند. مهارت در بکار بردن توده‌های آجرها بجائی رسیده که سازندگان توانسته‌اند تنظیم و ترکیب اشکال را با طرح اولی تقریباً شبیه سازند برای اینکه نمونه اولی را بهتر ببینید بشکل ۲۰۳ همیلتون مراجعه شود.

۲۳- الف - خطوط منحنی لبه‌سر در ورودی و اسپر اصلی در این تصویر نمایش داده شده و ممکن است طرح گچ بری باریک کتیبه آرایشی شبیه گچ کاریهای اطاق اصلی گنبد مسجد جامع اصفهان باشد (شکل ۳۲۹ سوروی).  
۲۳- ب - موارد استفاده آجرهایی که بطریق راسته برای محکم کردن آجرهای روکش تزئینی بنا بکار رفته‌اند دیده میشوند.

۲۴- ب - نقاشیهای برج اولی مانند جاهای دیگر است و کارهای مینیاتوری و رومی‌هاشیه زورق و ارونه (اسپرها و رومیهای کوچک) تقریباً از ابتکارات شخصی معمار بشمار می‌آید.



## شرح کتیبه‌ها و نوشته‌های آرامگاه‌های خرقان

از آقای اشترن S. M Stern

### برج اولی یا شرقی ترین برج

نوشته‌های روی برج اولی و همچنین روی برج دوم خرقان تا اندازه‌ای دارای جنبه تاریخی و تا حدی هم قرآنی هستند. و بطور کلی نوشته‌های تاریخی در طرف اصلی I.۵ جای گرفته‌اند که یکی از آنها در سه کتیبه مجزای بالای در ورودی می‌باشد. دو کتیبه در روی گنبد بالای کتیبه‌های آرایشی جا گرفته است در حالیکه سومین کتیبه در روی طرف اصلی بفاصله کمی در بالای در ورودی قرار دارد.

خطوط قرآنی که از طرف اصلی شروع شده در دور تا دور بنا بفاصله کمی در زیر کتیبه‌های آرایشی جای داده شده‌اند. بنابراین سومین کتیبه طرف اصلی (وقتی از بالا شمرده شود) متعلق به خطوط قرآنی است و اصلاً به نوشته‌های تاریخی مربوط نیست (تصاویر ۷ - الف و ۸ - الف).

خواندن نوشته‌های تاریخی مانند نوشته زیرین می‌باشد (تصویر ۷-الف) برای خط و تصویر ۹- پ را نگاه کنید).

۱- بتاریخ سنه ستین واربعمائة ( بتاریخ سال ۶۶۰ هجری قمری)

۲- عمل محمد بن مکی القبة

۳- ابوسعید - سحر بن صد . ( صد مانند اصل است)

من تصور میکنم که خط دوم بایستی پیش از خط اول خوانده شود<sup>۱۰۷</sup> تا از دو خط يك جمله عربی ساخته شود ، در صورتیکه اگر غیر از آن باشد ظرافتی نخواهد داشت .

۲- محمد مکی الزنجانی گنبد را ساخته است .

۱- در سال ۶۶۰ هـ ۱۰۸

۳- ابوسعید بیجار (؟) پسر صد

اولین و چهارمین لغت در خط اول کمی خراب شده اند ولی چونکه خوانده میشوند احتیاجی نیست که به جزئیات آنها پرداخته شود. ولی من قادر به درک پنجمین کلمه نیستم زیرا زیاد از بین رفته است ولی نوشته خط دوم کاملاً محفوظ مانده است.

محمد بن مکی الزنجانی گنبد را ساخته است و در فاصله چند نقطه درباره

این کلمات می‌توان مطالبی نوشت . شکی نیست که می‌توانیم کلمه عمل amila

را بعنوان يك فعل بخوانیم برای اینکه القبة al qubba مفعول جمله است .

هر چند این قاعده ای که مایر L.A.Mayer اظهار داشته نوشته‌های معماری

۱۰۷- در نوشته های تاریخی آرامگاه دوم نیز از ردیف خارج شده و باید با سطر سوم خوانده شود.

۱۰۸- عبارت به تاریخ سنه را باید از نظر کتیبه شناسی بررسی نمود.



درجائیکه باید عمل amal خوانده شود بعنوان اسم بکار برده میشود و عمل amila راهمیشه نمیتوان بکار برد. ۱۰۹

قبه Qubba «گنبد» برای مساجد در نوشته‌ها بعنوان بقعه بکار میرود  
برج لاجیم ۳-۱۰۳۲ میلادی (۴۱۳ هجری) رک. به کتاب (باستانشناسی متولوژن  
از ایران جلد هشتم تصویر ۷۸) (Archaeologische Mitteilungen aus Iran)  
برج رسگت (آثار ایران جلد اول ص ۱۲۰) دامغان ۱۰۲۶ م - ۴۱۷ هجری  
(فهرست ۲۳۵۲) دامغان ۱۰۵۴ میلادی - ۴۴۶ هجری (فهرست ۲۵۷۲) امام دور  
۱۰۸۶ میلادی - ۴۷۸ (فهرست ۲۷۵۶) مراغه ۸-۱۱۴۷ میلادی ۵۴۲ (آثار ایران  
جلد یکم تصویر ۱۳۳) ری ۱۱۵۱ میلادی ۵۴۶ (فهرست ۳۱۵۳) باوجود این کلمه  
قبه را در بعضی جاها در روی گنبد مساجد بعنوان نام بکار برده‌اند. برای  
مثال دو گنبد مسجد اصفهان (فهرست ۲۷۷۴) و مسجد گلپایگان (فهرست ۲۹۷۴)  
را میتوان نام برد.

خط سوم بافاصله کمی بالای در ورودی قرار گرفته است و بادقت و مهارت  
زیادی نوشته‌را بیش از حد معمولی برجسته ساخته‌اند اسمی که در کتیبه نوشته  
شده بسبب محو شدن خواننده نمیشود ولی نام کسی که آرامگاه برای او ساخته  
شده است اگرچه بیگانه بنظر میرسد زیرا چنین کلمه‌ای در بین اسامی خود  
نداریم و این آرامگاه . . . است یا کلماتی که در این آرامگاهها معمول بوده  
است نوشته‌اند آنچه که سبب میشود نام آن بیشتر بیگانه جلوه کند عدم وجود  
هر نوع عنوان برای نام صاحب آرامگاه میباشد. اولین کلمه اسم کونیا Kunya  
است که بخوبی خوانده میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من

۱۰۹- رک. به پاورقی ۳ ص ۲۵ درباره معماری دوره اسلامی: من مایل هستم که کاملا مطالب را واضح  
بیان کنم در مورد کلمات سنة و عملة باید بگویم که باید سنة و عمل بخوانیم.

نمیتوانم آنرا بعنوان يك اسم فارسی یا عربی تعبیر کنم<sup>۱۱۰</sup> ممکن است که آن يك اسم ترکی باشد در هر صورت من نمی توانم آنرا يك اسم قابل قبولی پیشنهاد نمایم. اسم پدر صاحب آرامگاه با يك حرف (ص) و يك حرف (د) شروع میشود و حرف بعدی هم از بین رفته است و آخر خط در زیر سنگ کاری که بعدها بعمل آمد پنهان شده است خطوط قرآنی از بالای طرفی که در ورودی قرار دارد شروع شده و تا محل بند آجر ستون پیش رفته، و بقیه آن از طرف دیگر بهمین ترتیب ادامه داده شده است و قتیکه بالای ستونها خراب شده قسمتی از خطوط نزدیک آنها هم از بین رفته است و همچنین کتیبه ضلع سوم هم از بین رفته است. و خطوط قرآنی شامل آیه های ۲۱-۳۰ سوره ۵۹ می باشد که در بین اضلاع ستونها بشکل زیر تقسیم شده اند (عکسهای ۷- الف، ۱۰۸ و ۱۲)

بنام خداوند بخشاینده مهربان. اگر این قرآن را برای کوهها نازل میکردیم، هر آینه مشاهده میکردید که آنها از خوف خداوند متلاشی میکردیدند این مثال را برای کسانی میآوریم که شاید در آفرینش جهان اندیشه نمایند. او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست دانای آشکار و پنهان است، بخشنده و مهربان است، او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست و پادشاه پاک و منزه و محفوظ دارنده مؤمنان و خداوند بزرگ و هستی بخش است. خداوند از شریک و همانندی که برای او تصور میکنند بی نیاز است او آفریننده پاک و منزه است. دارای نامهای نیک است. آنچه که در آسمانها و

۱۱۰- هر چند که آن (برجان) است ولی میتوان آنرا (بیژن) خواند که نام یکی از قهرمانان بزرگ حماسی ایران است.

buttress 1.

side 1.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَوْ اَنْزَلْنٰهُ ۥۥ [هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جِبِلِّ

buttress 2.

side 2.

لِزَاۥیۡتِهٖ خَاشِعًا فَتٰصِدَعًا مِّنْ خَشۡیَةِ رَبِّهِۦ ۥۥ اَللّٰهُ وَتِلْكَ اَلۡاِمۡتَالِ

buttress 3.

side 3.

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَكَّرُوْنَ فَوَاللّٰهِ الَّذِیۡ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

buttress 4.

side 4.

عَاۥلِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ ۥۥ [الرَّحِیْمِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِیۡ

buttress 5.

side 5.

[لَاۥ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِیْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِیْمُنُ] ۥۥ

buttress 6.

side 6.

الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ ۥۥ [اِنَّ اللّٰهَ عَمَّا یُشْرِكُوْنَ] ۥۥ هُوَ اللّٰهُ

buttress 7.

side 7.

الْحَلٰقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ۥۥ [اِلٰهَ الْاَسْمَآءِ الْحُسْنٰی] یَسْبِغُ لَهٗ مَا

buttress 8.

side 8.

فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ ۥۥ [الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ]

ترتیب آیہ های سورہ ۵۹ دور تا دور برج دوم

زمین است اورا ستایش میکنند او خداوند بزرگ و دانا است. موضوع متن دقیقاً مناسب يك آرامگاه نیست و در حقیقت مطالعه فهرست خطوط ثبت شده سده پیش و خطوط نوشته شده بعد از بنای تاریخی مورد بحث مانشان میدهد که این نوع خطوط در جای دیگر نوشته نشده اند. آیه پیش از (سوره ۵۹ و آیه ۲۰) بیشتر به آرامگاهها اختصاص دارد (مردمی که سزاوار آتش و مردمی که در خور بهشت هستند یکسان نیستند و کسانی موفق هستند که سزاوار بهشت باشند) هر چند که آن هم جزء خطوط مطلوب آرامگاهها بشمار نمی آید و حتی این نوع نوشتهها در روی بناهای ساخته شده در طول دو بیست سال اخیر مصر هم فقط در دو آرامگاه دیده شده است (فهرست شماره ۲۰۶۰ و ۲۳۸۲) ولی من نمیتوانم بطور دقیقی طرز نگارش نوشتههای قدیمی را توصیف کنم. آنها از نظر شکل شبیه خطوط کوفی هستند و سازندگان آنها توانسته اند با مراعات کامل اصول فنی و مقتضیات آن بخوبی از عمده این مهم بر آمده و حروف آجری را با مهارت زیادی در این محل بکار ببرند. آجرهایك پهلو به شکل حروف مورد نیاز در جای خود قرار داده شده اند و در نحوه کار گذاردن آنها فقط اندکی جنبه تزئینی مراعات شده است.

کلمه «الله» در شمار (نوشته قرآنی ضلع يك) میباشد و بطور مخصوص و همان طوریکه اشاره کردم به حرف «ل» کاملاً شکل غلطی داده شده و معمولاً این کار در تزئین کلمه الله متداول بوده که برای زینت دادن دو «ل» بعمل میآمده است. در صورتیکه در اینجا آن نوع عمل تزئینی را در جای «ل» دوم بعمل آورده اند. و در واقع در تزئین کلمه الله که در خط دوم نوشته تاریخی دیده میشود کاملاً از تزئین کلمه الله مذکور پیروی شده است. و در حقیقت چنین استنباط

می گردد که ممکن است در طرز آرایش حرف «ق» از چنین کلمه الهی اقتباس شده باشد.<sup>۱۱۱</sup>

در بالای حروف (م - ه - ت - واو مربوطه - صاد - ع وسط) تزیینات مهره‌ای یا حلقوی و گل و بوته‌ای بسیار جالب و دوست داشتنی بعمل آمده است و فرم تزیین عینی (ع) که در ضلع چهارم است کمی شبیه عینی (ع) است که در طرح ضلع شش بکار رفته است.<sup>۱۱۲</sup>

خطی که اسم ابوسعید و غیره در آن نوشته شده بسیار زیبا است و حاشیه آن را با گل و شاخ و برگ (نظیر شاخ و برگ پیچ گل معروف امین الدوله که سابقاً در ساختمانهای قدیمی ایران برای آرایش بکار میرفته) زینت داده‌اند. بعلاوه هر یک از حروف بشکل حرف مربوطه از دو بخش آجری یا سفالی تشکیل شده است (این حروف را یا از آجر و یا از سفال تهیه می‌کردند) و سپس بطرز صحیحی در روی کتیبه مربوطه بنا جای میدادند. در روی طرح هندسی خطوط متقاطع وسط ضلع اصلی که چندین جا کلمه الله دیده میشود فرم زینت داده شده حرف (ل) را نمایش می‌دهد.

### برج دوم یا برج شرقی :

با وجود اینکه نظم و ترتیب نوشته‌های قرآنی روی این برج شبیه تزیینی است که در روی برج اولی بعمل آمده است ولی نوشته‌های تاریخی در روی یک اسپر

۱۱۱- بسختی میتوان گفت که آنرا میتوان مانند کلمه الله خواند زیرا قابل قبول بنظر نمیرسد .

۱۱۲- مشکوک بنظر میرسد که آیا ترجمه اولین کلمه مانند عمل اینجا هم عمل خوانده شود و در نتیجه باید قبول کنیم که بجای کلمه ابوبلفظ ابی در سطر چهارم گذاشته شده است .

در چهار سطر درست بالای در ورودی جاداده شده اند خط اول فقط شامل: (به تاریخ) است که تصور میکنم از ترتیب خارج شده است ولی در حقیقت بایستی به خط سوم تعلق داشته باشد. سه خط باقیمانده دیگر از هر جهت شبیه سه خط برج اولی است. سطر اول به نام سازنده برج و سطر دوم بتاریخ ساختمان برج و سطر سوم به اسم شخصی که در این آرامگاه دفن شده اختصاص داده شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۸ - الف).

- ۱ بتاریخ
- ۲ عمل ابی المعالی بن مکی الزنجانی
- ۳ سنة سه و ثمانین واربعماتة
- ۴ ابی منصور السی (السی) بن تکین

و بنظر اشترن بایستی این طور نوشته میشد:

۲ - ساخته شده توسط ابوالمعالی بن مکی الزنجانی

۱-۳ - در سال ۴۸۶

۴ - ابو منصور ... (؟) فرزند تکین (؟)

نوشته ها کاملا محفوظ مانده فقط اشکال در خواندن خط چهارم است که بسبب از بین رفتن قسمتی از کتیبه و محو شدن بعضی از علائم و نقطه ها اسامی نوشته شده نامشخص می باشند.

در اینجا از ابوالمعالی فرزند مکی بعنوان معمار بنا نامبرده شده . در صورتیکه در برج اول معمار ساختمان محمد فرزند مکی بوده است .

مع الوصف امکان دارد که سازنده این برج هم همان شخص بوده باین معنی که محمد اسم کوچک او و ابوالمعالی کنیه او بوده است و اختلاف شکل اسم وی ممکن است صرفاً بسبب هوسی تغییر یافته باشد. نظر دیگر اینست که می توان تصور نمود که شاید ابوالمعالی فرزند مکس الزنجانی برادر محمد فرزند مکس الزنجانی بوده است.

کنیه منصور<sup>۱۱۳</sup> تنها کلمه ایست که در بین دیگر اسامی بخوبی مشخص می باشد که مسلماً نام صاحب آرامگاه بوده و آرامگاه برای او ساخته شده است. همانطوریکه در سطر سوم نوشته تاریخی برج اول دیده میشود نام صاحب مقبره در این آرامگاه ذکر شده است. اسم پدر و مقام اجتماعی صاحب آرامگاه نامشخص است. نوشته طوری است که می توانیم اسم پدر را بیک نام عربی تعبیر نمائیم؛ بوکایر Bukayr یا بودایر Budayr یا مانند یک اسم ترکی تگین است Tigin است که گاهی تیکین و زمانی تکین تلفظ میشود (Takin-Tikin) و بالاخره باید متذکر شد که در این خط تاریخی (حرف-ر) و حرف نون آخر (ن) یکسان نوشته شده اند حتی از نظر شناخت نام و مقام صاحب آرامگاه بسیار ناشناس و نامشخص است و نمی توان اظهار عقیده نمود که آن در شمار اسامی عربی یا فارسی است. بنظر میرسد که دو حروف اول این کلمه حرف (الف) و حرف (ن) باشد و یکی از سه حروف بقیه کلمه مثل اینکه (س) یا (ش) است یا بدنه سه حروف مستقل دیگر هستند و هر یک بعنوان یک حرف اصلی برای پنج حروف دیگر مربوط میشود و بدنه هر یک از حروف جدا نوشته شده است؛

۱۱۳- من گفته ام شاید کلمه ابو مانند کلمه ابوسعید در برج اول نوشته شده باشد.

ویا آیافقط يك خط منحنی (ی) آخر کلمه است که با مهارت زیادی به حرف پیش از (ی) آخر کلمه متصل شده یا ما باید دو حرف دیگر را تشخیص بدهیم و یا هنوز بدنه يك حرف دیگر بآن اضافه میشود؛ در حقیقت امکان دارد انواع ترکیبات بیشماري در ترکیب و طرز بهم پیوستن حروف بعمل آید از این رومن در زیر با حروف بزرگ مثال میزنیم. ئیل تای تی Il-tay-ti (یک اسم ترکی است که شاید در جایی به آن برخورد کرده باشم) یا ئیلش تی IIshti (که صدای آنهم مانند صدای اسامی ترکی است) ولی من واقعاً نمیدانم که چنین اسمی وجود دارد یا خیر؛ شاید يك متخصص زبان ترکی پیشنهاد بهتری داشته باشد. در غیر این صورت برای آگاهی بیشتر میتوان از فرهنگ اسامی ترکی مانند ژوستی F'Justi و فرهنگهای قدیمی و مفید اسامی فارسی استفاده بعمل آورد.

نوشتههای قرآنی در این برج هم مانند برج اولی کاملاً از زیر کتیبههای آرایشی در دورتادور آرامگاه نوشته شده است. و بعلاوه بخش بندی متن سوره در بین اضلاع و ستونهای مختلف درست مانند بخش بندی متن سوره در روی برج اول بوده است (که مجدداً ارائه متن کار اضافی بنظر میرسد) در این تقسیم بندی بخوبی پیداست که معمار ساختمان از ترتیب آیه های سوره برجی که ۲۶ سال پیش از آن ساخته شده پیروی کرده است. این برابری توسط خطوط تزیینی که مانند نمونه آنرا در برج اول دیدیم بعمل آمده است. (به تصاویر ۱۸-ب و ۱۹ و ۲۲ نگاه کنید).

کتیبه دومین نوشته قرآنی در بالای در ورودی ساخته شده است. (تصاویر

۱۶ و ۱۸-الف).



از متنی که در روی ضلع عمودی طرف راست وجود داشته فقط چند حروف آخر باقیمانده است که به سبب کمی آنها چیزی مفهوم نیست و نمیتوان از نوشته های آن نتیجه ای گرفت و نوشته های افقی سمت چپ هم شامل آیه ۱۱۵ سوره ۲۳ می باشد .

افجستم انما خلقناکم || عبثاً و ا [ نکم الینالترجعون ] « آیا شما فکر میکنید ما شما را بیهوده آفریده ایم و یا آنکه شما بطرف ما برگشت داده نخواهید شد ؟ »

البته این يك موضوع مناسبی برای آرامگاه می باشد . گرچه بررسی مجدد فهرست نشان میدهد که این جمله از جملات متداول زمان ساختن بنای تاریخی مورد بحث ما شناخته نشده و بان زمان تعلق نمیگیرد . چه آیه آخری همان سوره (آیه ۱۱۸) یکمترتبه هم در (فهرست شماره ۲۱۶۴) نوشته شده است . نوشته هائیکه در برج دوم بکاررفته خیلی شبیه به آنهایی است که در برج اول دیده شده است گرچه در کلیات نوشته های قرآنی کمی اختلاف است ولی نظر باینکه برج دوم در مجاورت برج اول قرار گرفته حروف موجود روی هر دو برج در زمینه یکسانی در روی ساختمان ها جاداده شده اند ولی نوشته های برج دوم تا اندازه ای شکل صحیح تری بخود گرفته اند ولی بطریقی که حروف شکل اصلی خود را حفظ کرده اند و همان نوع تزیین مهره ای شکل فوق الذکر در آرایش آنها هم بکاررفته است ، حتی همان اختلاف بین حرف (ع) ساده و شکل بسیار آرایشی و تزیین شده آنرا در روی این برج هم می بینیم حرف (ع) در سطر دوم نوشته های تاریخی تزیین شده است . و حالت ساده آن مانند (ع) برج اولی در بین اضلاع و ستونهای مختلف دیده میشود . و پیداست

که معمار طرح ریزی نوشته‌های روی برج دوم خود را از نقشه برج اول پیروی کرده است.

هرچند که معمار در طرح کلمه الله ابتدای خط قرآنی برج اول اشتباهاتی نموده ولی در برج بعدی اصلاحاتی بعمل آورده است. در اینجا هم ما دو (ل) داریم که بین آنها بهمان شکل برج اول تزیین شده است.

### نتیجه گیری :

مدارک تهیه شده از خطوط روی برجها برای دانش آموزان دوره معماری اسلامی بسیار قانع کننده و سودبخش می باشد زیرا بطوریکه ذکر شد هم نام معمار سازنده این آثار تاریخی بخوبی مشخص است و هم بناها شامل تاریخ دقیق احداث می باشند.

اولین بنای تاریخی در سال ۸-۱۰۶۷ میلادی - ۴۶۰ هجری در زمان سلطنت آلب ارسلان و دومین بنا در سال ۱۰۹۳م - ۴۸۶ هجری در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی ساخته شده است.

این آثار تاریخی باشکوه که نمونه بارزی از بناهای پای برجای دوره سلجوقی بشمار میروند از این رو حائز اهمیت هستند که تاریخ ثابتی برای ما بجای گذارده اند که از نظر تشخیص روابط بناهای تاریخی و همچنین از نظر تزیین روکش بنا و نوع نوشته‌های حروفی بسیار سودمند خواهند بود.

از بررسی نوشته‌های موجود روی این آرامگاهها استنباط میگردد که با احتمال قوی هر دو بنای تاریخی توسط يك معمار یعنی همان ابوالمعالی محمد بن مکی الزنجانی ساخته شده اند. و گمان نمی رود که او بنام دیگری شناخته شده باشد. اگر به اسامی معماران بناهای دوره اسلامی موجود در فهرست

مایر L. A. Mayer مراجعه شود<sup>۱۱۴</sup> محققاً نام شخص مورد نظر ما در آن یافت نخواهد شد چون فهرست مزبور فقط شامل اسامی معمارانی است که در روی آثار تاریخی برپاساخته خود علامت مشخصی بکار برده باشند و از طرف دیگر نام بناهای ساخته شده در آن فهرست ثبت شده است. و حال آنکه بناهای تاریخی مورد بررسی ما تاکنون ناشناخته بوده و حتی تا زمانیکه این کتاب تکمیل شود در هیچ یک از فهرستهای موجود نام بناهای تاریخی بدست آمده و یا نام سازنده آنها مشاهده نشده است. و از طرف دیگر متأسفانه در هیچ یک از منابع ادبی هم فهرست نام معماران ذکر نشده و خیلی نادر بنظر میرسد که نام معمار مورد نظر ما در آنها هم ذکر شده باشد. بهر حال چون نام معمار شامل کلمه نسیب الزنجانی Nisba al Zanjani می باشد این دلالت بر این مینماید که شهر زنجان زادگاه اصلی<sup>۱۱۵</sup> وی بوده است. آرامگاهها در جنوب خاررود Khar Rud بین دره رودخانه قرار گرفته اند. از این رو بسادگی قابل فهم است که ممکن است یک معمار از مسافتی که چندان دور نیست برای انجام این کار دعوت نموده باشند. و همچنین واضح است که هر معماری در ساختن بنائی از تجربه خود و سایر معماران پیروی می نموده است. و نیز کاملاً معلوم شده که معماران شرقی هم مانند معماران غربی در مهاجرت از این شهر بآن شهر تفاخر مینمودند و از اسامی معمارانی که دور از زادگاه و محل بومی خود کار میکرده اند لیست کاملی تهیه شده است.<sup>۱۱۶</sup> پس در این زمینه هم دلیلی ندارد معمار مورد

۱۱۴ - ص ۱۶۸ شماره ۳ توجه کنید.

۱۱۵ - در سدهٔ دهم میلادی (چهارم هجری) یک نفر فقیه در زنجان بنام مکی میزیسته که نام پدر بزرگ وی نیز مکی (السامانی النسب زنجانی بوده است) بهر حال نام یکی مکی چندان ناشناخته نیست که خجوبره شناسائی بیشتری باشیم.

۱۱۶ - رک به صفحات ۴-۱۶۳ جلد اول معماری دورهٔ اسلامی مصر تألیف کراسول .

نظر را از دیگران مستثنی بدانیم چه ممکن بوده است در جای دیگری دور از زادگاه خود دیده و در بنای خود از آن پیروی نموده باشد.

مع الوصف طبیعی تر بنظر میرسد که این مطلب را بپذیریم که ممکن است او از شیوه های شهر خود پیروی نموده باشد. البته با توجه باینکه آثار موجود مدارك بسیار خوبی هستند ولی از بقایای ناچیز تاریخی در این باره چندان قیاس مهمی نمیتوان بعمل آورد که چگونه معمار توانسته است از طرحهای پیشین در ساختن نمای خود اقتباس نماید و یا اینکه آنرا بدون بررسی طرح ابتکاری خود او بدانیم.

و این موضوع قابل ملاحظه می باشد که نام معمار در بهترین و مشخص ترین جای بنای تاریخی نوشته شده است. بایر میگوید<sup>۱۱۷</sup> که در روی همه ساختمانهای دوره اسلامی هویت معمار بندرت ذکر میشده ولی خود او اضافه میکند که این عقیده نسبت بزمان و مکان قابل تغییر است.

در واقع باید بگویم که به ما ماموریت داده شد تا بناهای تاریخی که در این دوره در ایران ساخته شده بررسی نموده و تحقیقات ممکن را بعمل آوریم. در مدتی که برای بررسی مقوله آرامگاهها وقت صرف کردیم به اسامی و علائم معماری در روی آثار تاریخی نامبرده زیرین برخورد نمودیم.

لاجیم که از بناهای ۳-۱۰۲۲ میلادی و ۴۱۳ هجری (آثار ایران جلد ۱ ص ۱۱۲) است با آثار نامبرده زیرین مورد بررسی قرار گرفتند

دامغان از بناهای ۱۰۲۶ میلادی ۴۱۷ هجری (فهرست ۲۳۵۲).

یک سنگ قبر بتاریخ ۱۱۲۶ میلادی - ۵۲۰ هجری تاریخ گذاری شده بود

(فهرست ۲۶۴۹).

۱۱۷- ر-ك به صفحات ۲-۲۱ معماری دوره اسلامی و کارهای انجام شده آنها

آثار تاریخی یزد ۱۱۳۸د میلادی ۵۳۳هجری (فهرست ۳۰۹۴) و (۱۱۵۰م - ۵۴۵هجری فهرست ۲۳۵۲).

مراغه ۸-۱۱۴۷-۵۴۲هجری (جلد اول آثار ایران ص ۱۳۴) و نیز يك در از کارهای قفقازیه با نام آهنگری (۱۰۶۳ میلادی - ۴۵۵هجری فهرست ۲۶۴۹).

و نیز آرامگاه امام دور عراق (فهرست ۲۷۵۶) را مورد بررسی قرار دادیم این نوشته ها جواب رضایت بخش وقانع کننده خوبی برای سؤالاتی است که توسط دانشجویان رشته معماری و تاریخ هنر مطرح میگردد. تاریخ نویسی بایستی مختصر و مفید باشد. مخصوصاً وقتی که این سؤال پیش آید. چرا؛ هویت اشخاصی که آرامگاه برای آنها ساخته شده برای او جالب توجه شده و در این نظریه اطلاعات بدست آمده از خطوط روی بنا غیر قاطع جلوه گر میگردد. اگر کسی نوشته آرامگاههای همزمان يك منطقه را بررسی کند بی خواهد برد که آنها عنوان و مقام و اسم صاحب آرامگاه را با القاب و آب و تاب زیادی در روی کتیبه موجود روی بنا می نوشتند. حال در مقایسه آرامگاههای مورد بحث ما دیده میشود که در نوشته ها بطور مختصری فقط با اسم صاحب آنها اکتفا شده است. وحتى باید اذعان داشت که آنچه هم از اسم آنها مشخص شده از روی حدس و گمان بوده است زیرا نوشته های موجود بخوبی خوانده نمیشوند و این خود معمائی است. و نیز به گمان قوی این تصور پیش می آید که ممکن است صاحبان این آرامگاهها شاید یکی از شاهزادگان و یا بزرگان و یا امکان دارد تاجر بزرگی بوده اند که از روی تواضع و فروتنی خواسته اند که چیزی با اسم آنها اضافه نشود و یا این تصور باطل بوده و هیچ يك از آنها نبوده اند و یکی از بزرگان مذهبی بوده اند که خواسته اند القابی مانند شیخ و غیره را در اول و

یا آخر نام آنها اضافه ننمایند. عدم وجود اطلاع کافی از عناوین آنها سبب میشود که سعی خود را در این باره تقلیل داده و به تحقیقات مقام اجتماعی مردی که آرامگاه برای او ساخته شده خاتمه دهیم.

اگر اسامی موجود عربی یا فارسی بودند تقریباً احتیاجی به بررسی زیاد نداشت ولی چون بنظر میرسد که آن اسامی از نامهای ترکی باشند در این صورت این گمان بیش میآید که ممکن است از اعضای حکومتی سلجوقیان بوده اند. نظر دیگری که ممکن است حقیقت داشته باشد وجود منطقه ایست که بنای تاریخی در آن ساخته شده است. زیرا تا قرون وسطی شهری در آن منطقه وجود نداشته و این موضوع مستلزم مطالعه و بررسی جغرافیای تاریخی این ناحیه است که بطور خلاصه میتواند اطلاعات جامع و مفیدی را فراهم آورد. ناحیه ای که خرقان نامیده شده که در حال حاضر (خرقان) تلفظ می شود فعلاً از نظر امور اداری بدو بخش خرقان غربی (واقع در مغرب جاده قزوین - همدان) و خرقان شرقی (واقع در شرق جاده) تقسیم شده است و با ناحیه افشاریه ضمیمه بخش آواج (یا - آوا) در منطقه شهرستان قزوین قرار گرفته اند در صورتیکه خرقان ساوه به شهرستان ساوه تعلق دارد<sup>۱۱۸</sup>. بنای تاریخی که در مزر غربی این منطقه قرار گرفته است نام آن ناحیه از اوایل دوره اسلامی به بعد بوجود آمده است. و از سده نهم میلادی (سده سوم هجری) به بعد آگاه میشویم که جاده خرقان از بین قزوین و همدان به خرقان منتهی میشود<sup>۱۱۹</sup>. (اکنون هم راه همان است).

از بررسی دوره حکومت عباسی (که بهترین منبع خبری آن زمان در این

۱۱۸- ر.ک به فرهنگ جغرافیایی ایران جلد اول و خلاصه آخرین پیشگفتار آن. و به (ساوه) نوشته می تو جلد چهارم دایرة المعارف اسلامی ۱۹۳۴ که در آن منطقه خرقان به بلوکهای افشاریه بکشلو و افشاریه کوتیلو و قره گوز تقسیم شده است.

۱۱۹- ر.ک به ص ۲۱ - دایرة المعارف جغرافیای عرب تألیف ابن خردادبه.

زمینه میباید) ما را در کشف حقیقت رهنمون میسازد که خرقان با همدان هردو در آن زمان جزویک بخش بوده اند و بعداً از آن ناحیه جدا شده و جزو حکومت- نشین شهر قزوین شده است.<sup>۱۲۰</sup> در دوره سلجوقی دو حادثه اغتشاشی داخلی در خرقان بوقوع پیوسته است. در سال ۹- ۱۰۹۸ میلادی - ۴۹۲ هجری سپاهیان سرکش بر کیارق در خرقان اردو زدند و در آنجا با محمد بن ملک‌شاه سلجوقی ملاقات نموده و باو پیوستند. <sup>۱۲۱</sup> در سال ۶۹- ۱۱۶۸ میلادی - ۵۶۴ هجری درست زمانیکه اینانج حکمران یاغی ری مورد حمله اتابیک ایلدوگر قرار گرفت ارسلان بن طغرل سلطان سلجوقی از تهران حرکت کرد و در خرقان اردو زد و در آنجا منتظر ماند تا وی سقوط نمود. <sup>۱۲۲</sup> در سالهای ۹۵- ۱۱۹۴ میلادی - ۵۹۱ هجری خرقان جزو مناطقی بود که با گروهی بر علیه الناصر خلیفه عباسی شوریده بودند. <sup>۱۲۳</sup> درباره جغرافیای تاریخی حوزه خرقان از سده چهاردهم میلادی (سده ۸ هجری) به بعد شرح مبسوطی از حمداله مستوفی <sup>۱۲۴</sup> به ما رسیده

۱۲۰- ريك بهص ۲۳۹ و ۲۸۰ جلد ۵ عبید تالیف ابن‌الفقيه که آن کتاب مأخذی برای یاقوت بوده است. و به پیروی جلد چهارم و صفحه ۹۸۸ همان کتاب حمدالله مستوفی درباره قزوین نوشته است. تاریخ گزیده تالیف عبدالحسین نوائی ص ۷۷۷ و از روی این کتاب در سال ۱۸۵۷ در روزنامه آسیائی فرانسه نام برده شده و همچنین ريك بهص صفحات ۶- ۲۶۵ به راه گمشده تالیف جیب‌مه‌موری یال چاپ انتشارات تراس. و نیز بین نواحی ملحقه به قزوین و دو ناحیه خرود پائین و خرقان ذکر شده است (ومن ازاینکه همه این اسامی در جزو تالیفات سده نهم میلادی ذکر شده مشکوک هستم).

۱۲۱- ريك بهص ۱۹۶ ابن‌اثیر.

۱۲۲- ريك بهص صفحات ۷- ۲۹۶ راحت‌الصدر راوندی.

۱۲۳- ريك بهص ۷۲ جلد هفتم کتاب ابن‌اثیر.

۱۲۴- ريك بهص صفحات ۷۳ و ۲۲۱ نزهة القلوب (همچنین بهص صفحات ۶۳ ساوه) و (۱۹۵-راماند ساوه) و

۲۲۲- (مزدگان ترکان خرقان) و ۲۸۰ (عبدالله‌آبادی) و صفحات ۷۶ و ۲۱۴ و ۶۸ و ۱۸۵-۱۵ و ۲۱۴ و ۲۷۳

ترجمه انگلیسی نزهة القلوب و بدو مقاله مشهور لسترنج و به کتاب سرزمینهای خلافت شرقی

صفحات ۱۹۶ و ۲۲۰ و ۲۲۸ و کتاب آلمانی فلات ایران تا جغرافیای عرب تالیف شوارتس صفحات

۵۵۰ و ۹۱۹ مراجعه شود.

است که تعدادی از دهکده‌های آن بخش را معرفی میکنند که در بین آنها آوامرکز بخش ناحیه خرقان میباشد.

از این بررسی چنین برمیآید که در این ناحیه شهر مهمی وجود نداشته است تنها محلیکه تا اندازه‌ای آبادتر بوده، آوا نام برده‌اند که تقریباً در فاصله ۵ کیلومتری محل آثار تاریخی مورد بحث ما قرار دارد. معلوم نیست که چرا؛ دو نفر ترك نژاد در این مدت کوتاه توانسته‌اند رئیس قبیله یا از بزرگان ارتش یا از دارندگان هر دو مقام بشوند که عاقبت در آنجا مدفون گردیده‌اند. احتمالاً امکان دارد از شباهت نواحی مجاور زنجان - سلطانیه که در دوره ایلخانیان بسبب وجود چراگاه‌های عالی‌بعضوان زمینهای اردوگاه مورد توجه حکمرانان مغول گردیده بود کمک بگیریم و بپذیریم که خرقان در دوره سلجوقی جزو قلمرو چراگاههای قبایل افراد ترك بشمار می‌آمده و رؤسای آنها آنجا را بعنوان آرامگاه خود انتخاب کرده بودند و احتمال نمیرود که خرقان تصادفاً در دوره سلجوقی بعنوان دومین اردوگاه ارتش بدست سلطانی افتاده باشد. بدیهی است که رؤسای آنها برای اینکه بیشتر مورد توجه مردم متمدن و قاطبه ایرانیان قرار بگیرند دین اسلام را می‌پذیرفته‌اند و ممکن است معماری از نزدیکترین شهر برای ساختن این آرامگاههای باشکوه استخدام کرده باشند. بااطمینان خاطر می‌توان گفت که این فرض نمی‌تواند دلیل قاطعی برای عدم وجود عنوانها بشمار آید. بهر حال این موضوع بصورت مبهمی باقی مانده است و بعلاوه باوجود اینکه این دلایل تقریباً نظری میباشند ولی نسبت به خواننده نشدن نوشته‌ها و فقدان گواه دیگر تئوری بهتری در این زمینه نمیتوان تهیه نمود. اگر این بناهای تاریخی مورد توجه قرار گیرد آئینده نشان



خواهد داد که جستجو و کاوش از این آثار تاریخی باشکوه با گواهان قاطع‌تری  
سبب روشن شدن اذهان و پیدا کردن راه حل بهتری برای معمای ما  
خواهد بود. ۱۲۵

در برج شرقی تابوت چوبی قرار داده شده که در روی آن جملات زیرین  
بعربی نوشته شده است:

**هذه المرقدة المنورة المعطرة سيدة سالحة**

**طاهرة جديدة خاتون بنت امام الهما (م)، امام**

**موسی کاظم علیه السلام**

**تحریراً فی شهر صفر، ختم بالخیر والظفر،**

**لسنة اربع وستين و تسعمائة**

این آرامگاه نورانی و عطر آگین بانوی پرهیزگار

و پاک سرشت «جدیده» خاتون دختر پیشوای

عالمیان حضرت امام موسی کاظم

علیه السلام است :

نگاشته شده در پایان ماه صفر المظفر

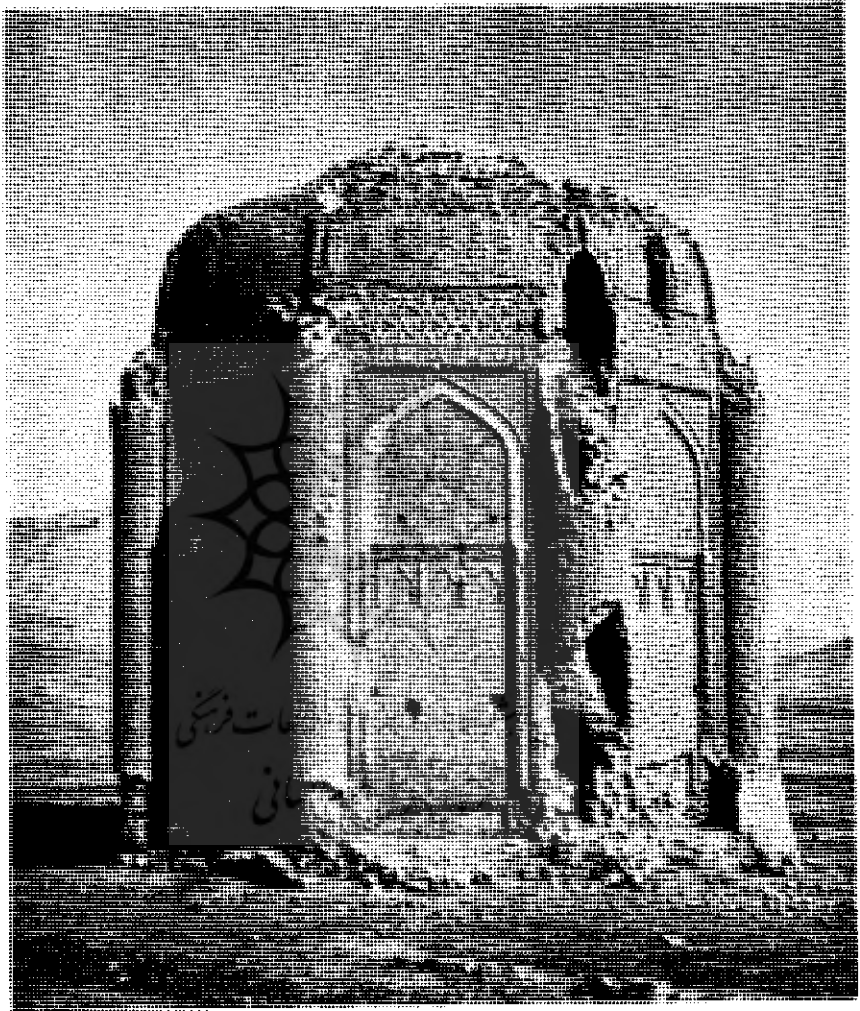
سال ۹۶۴ هجری قمری ۱۲۶

۱۲۵- ممکن است این‌طور تصور شود که در زمان قدیم آرامگاه‌ها مانند محل دفن امام‌ها مورد احترام بودند.  
برج شرقی دارای تابوت چوبی منبت‌کاری شده است که جملات عربی فوق‌الذکر مقاله در روی آن  
حک شده است .

۱۲۶- اصل خطوط عربی مذکوره در بالا توسط آقای محمد تقی مصطفوی قرائت شده است .

در روی نقشه ۱/۱ اینچی کاوشی هند ورق ۱-۳۹-ب علامتی از يك آثار تاریخی است که بایستی به آرامگاه مورد بحث مایوست داده شود نوشته ها طوری خوانده میشوند که ما را نسبت به نام آن کنجکاو میسازند ( قوش امام) این نام ترکی است ( قوش یا پرنده ) امام. اگر این بنا آن باشد بایستی برای يك امامزاده طرح شده باشد.

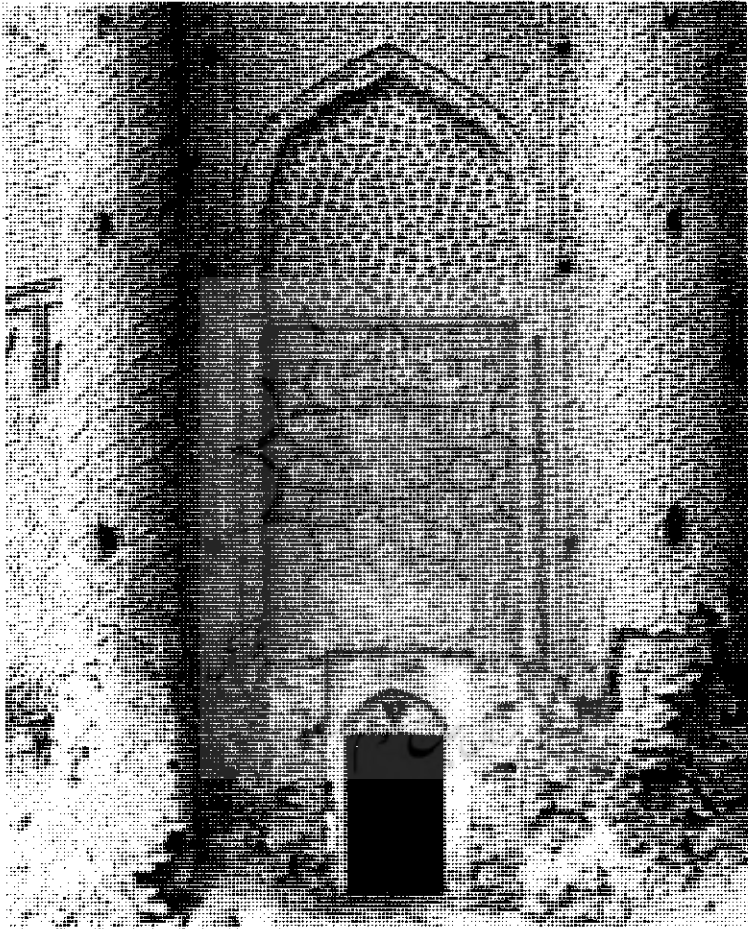




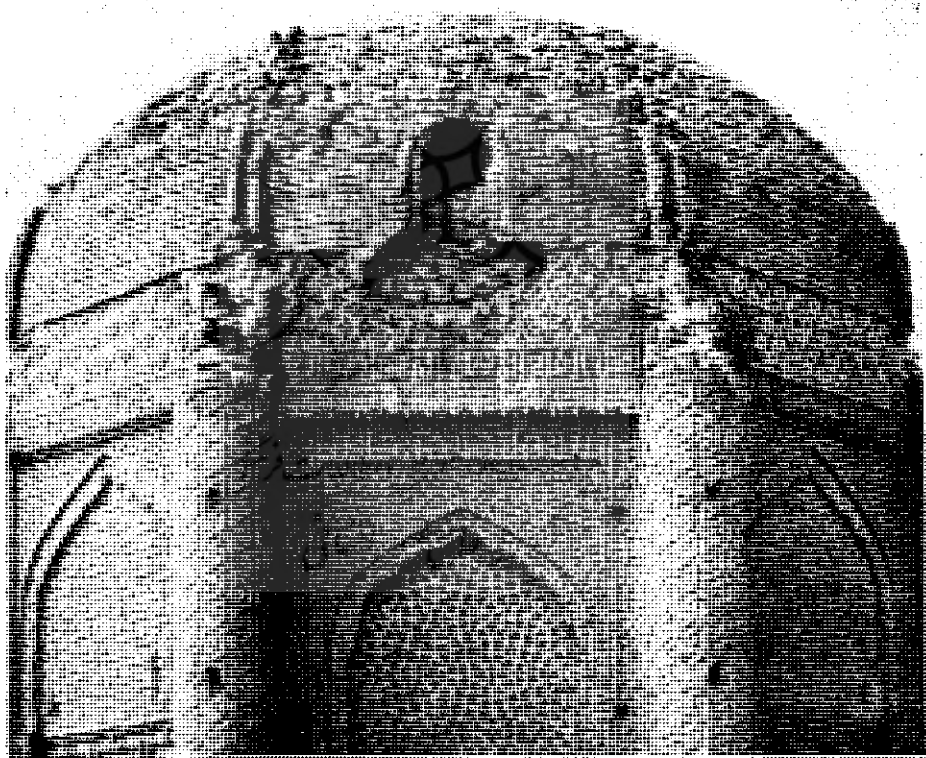
تصویر ۱۷ - الف . نمای برج دوم و تنها ستون توخالی مخصوص راه پله  
در بین اضلاع ۳ و ۴ دیده میشود



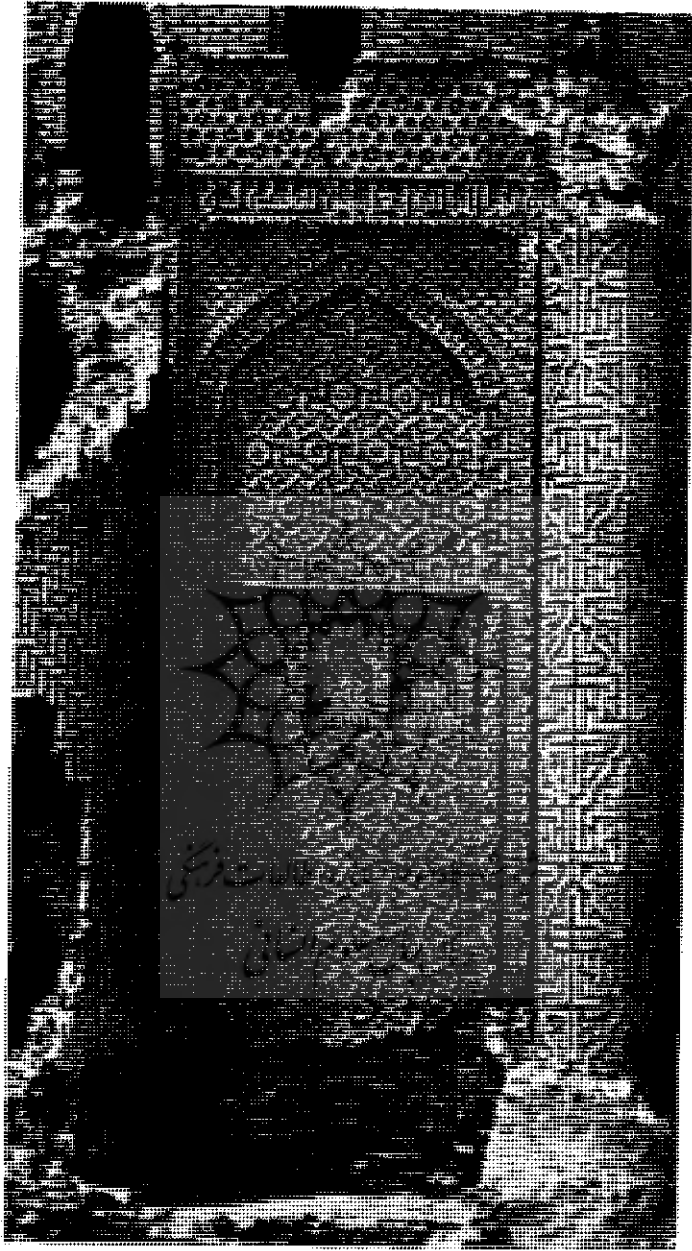
تصویر ۱۷ - ب . اضلاع ۶ - ۸ برج دوم



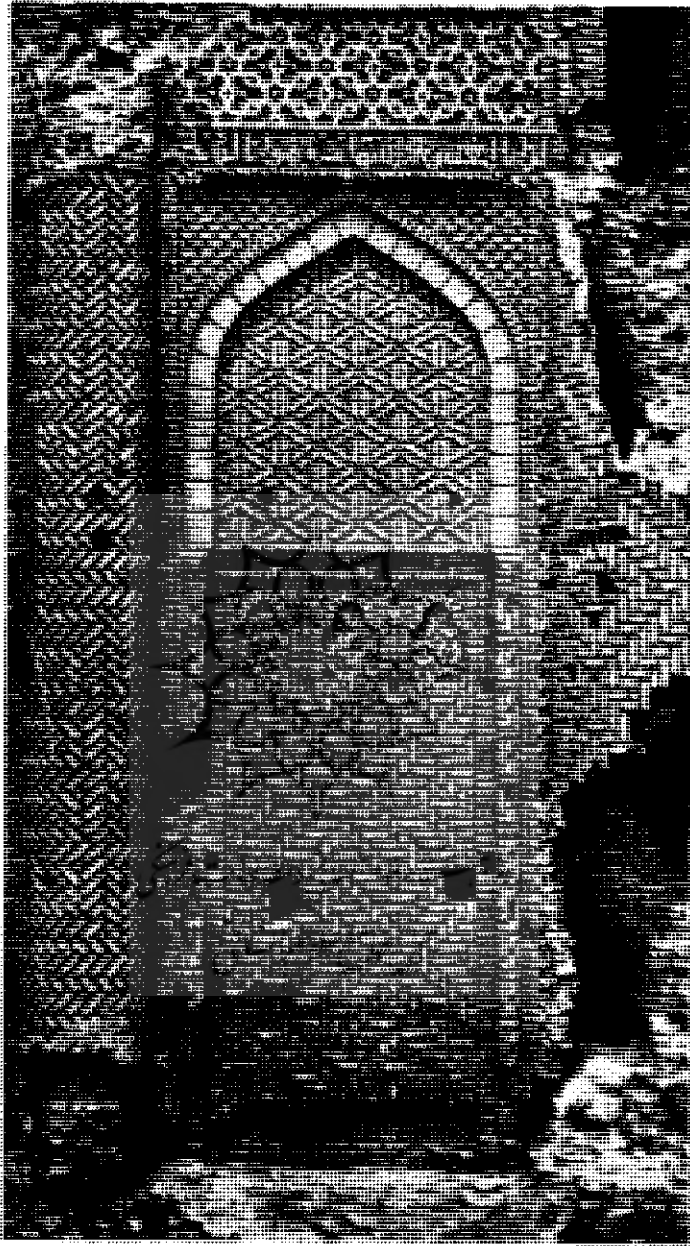
تصویر ۱۸ - الف . ضلع در ورودی و نوشته‌های بالای آن



تصویر ۱۸ - ب . بالاترین قسمت سردر ورودی

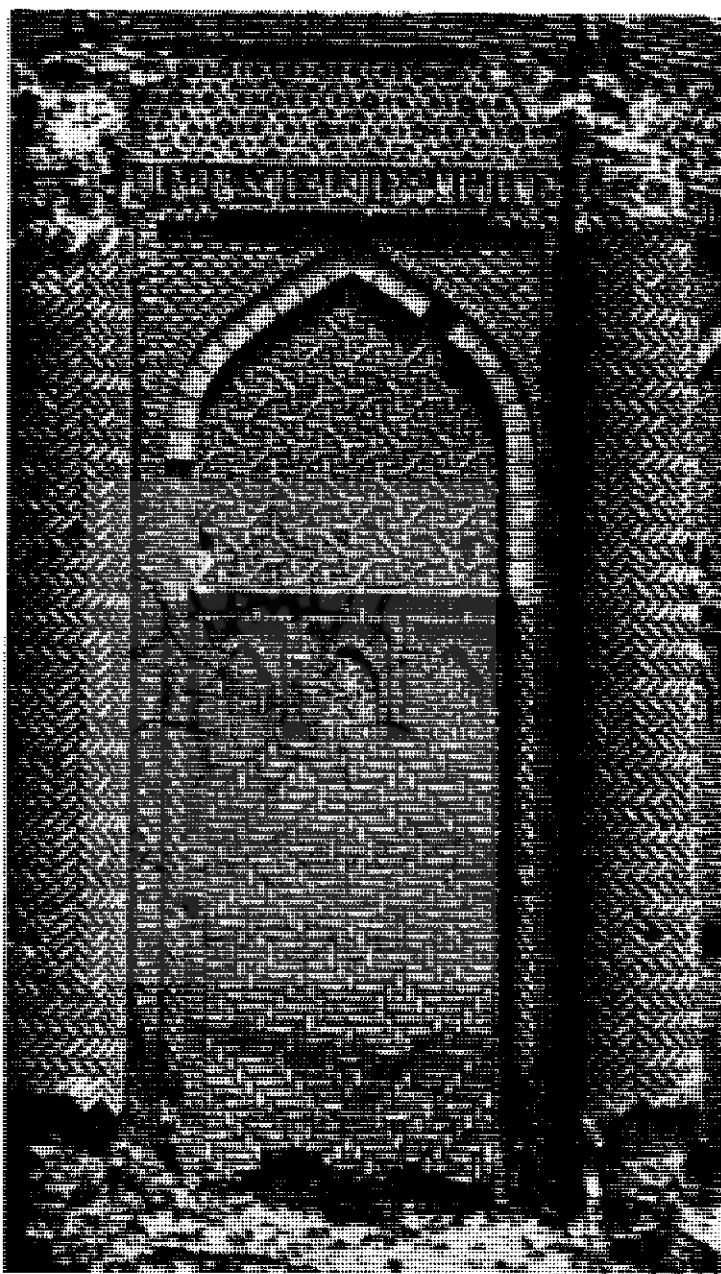


تصویر ۱۹ - الف . ضلع ۳ برج دوم

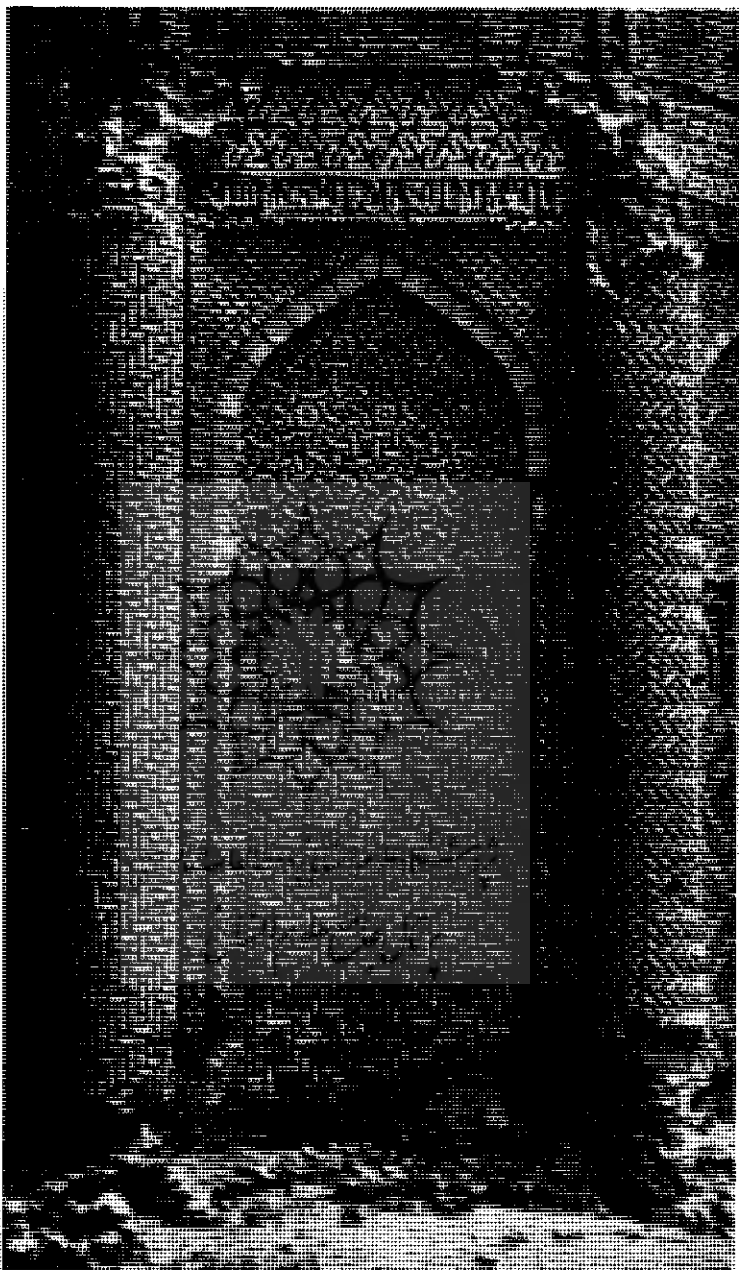


تصویر ۱۹ - ب . ضلع ۴ برج دوم

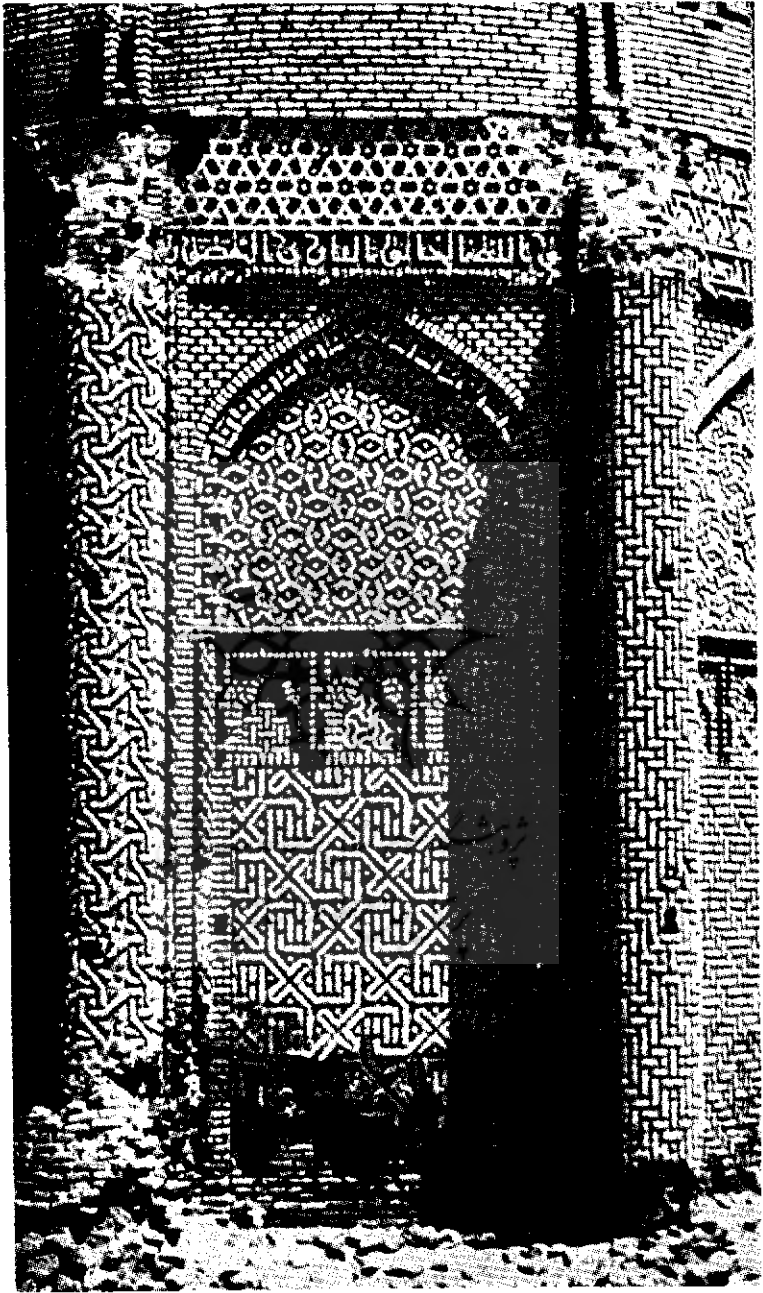




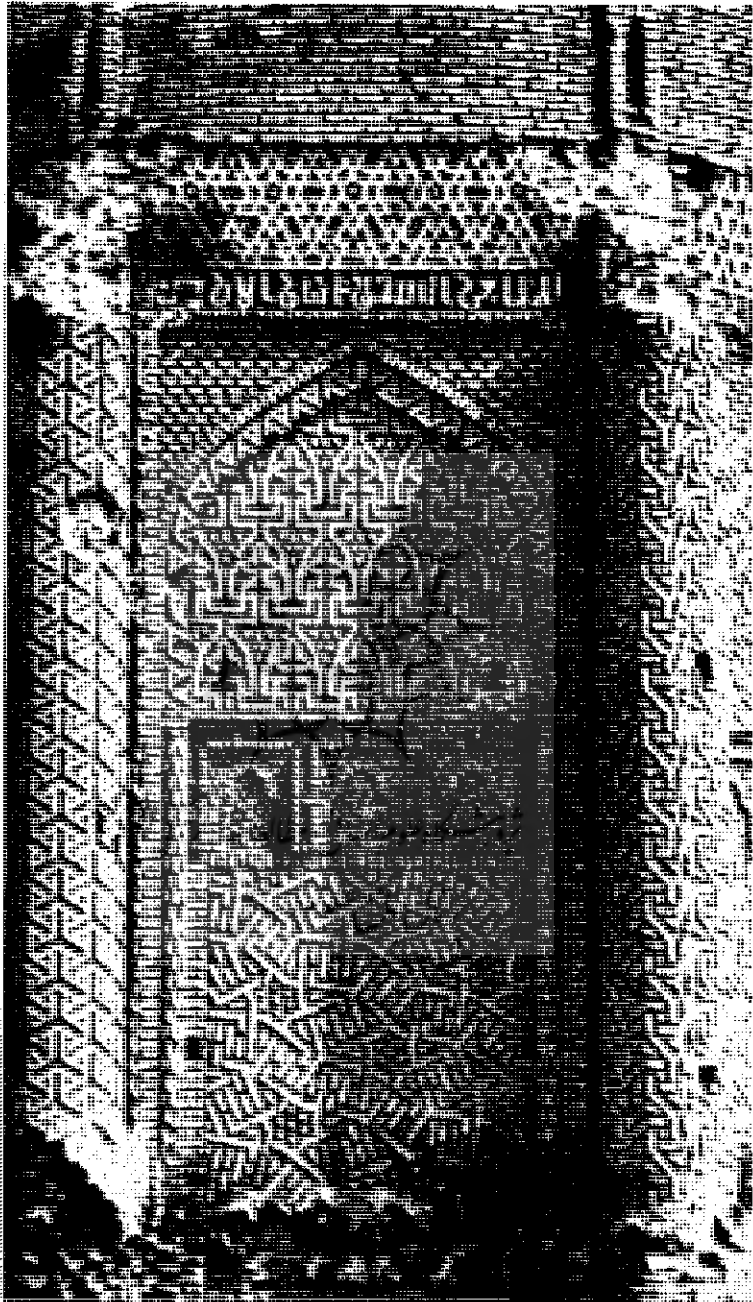
تصویر ۲۰ - الف . ضلع ۵ برج دوم



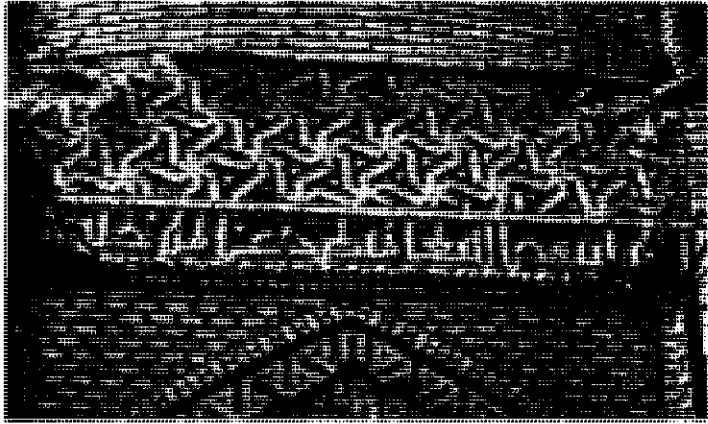
تصویر ۲۰ - ب . ضلع ۶ برج دوم



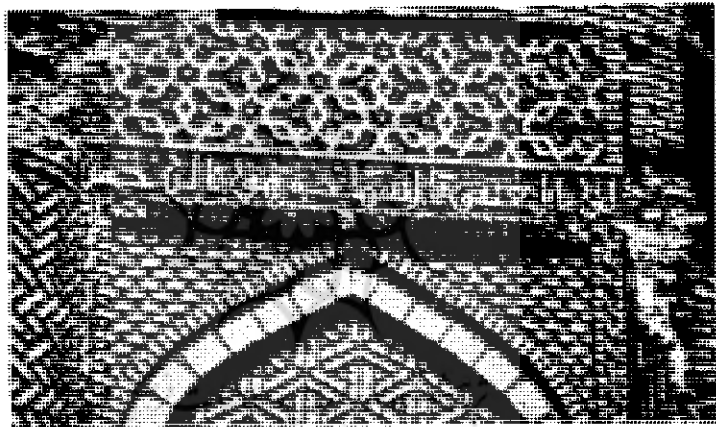
تصویر ۲۱ - الف . ضلع ۷ برج دوم



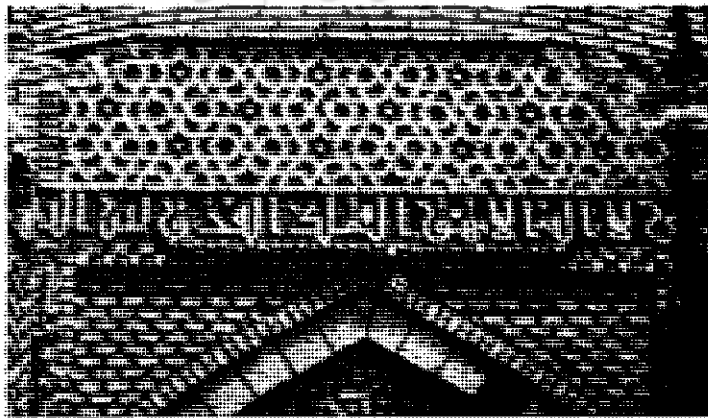
تصویر ۲۱ - ب . ضلع ۸ برج دوم



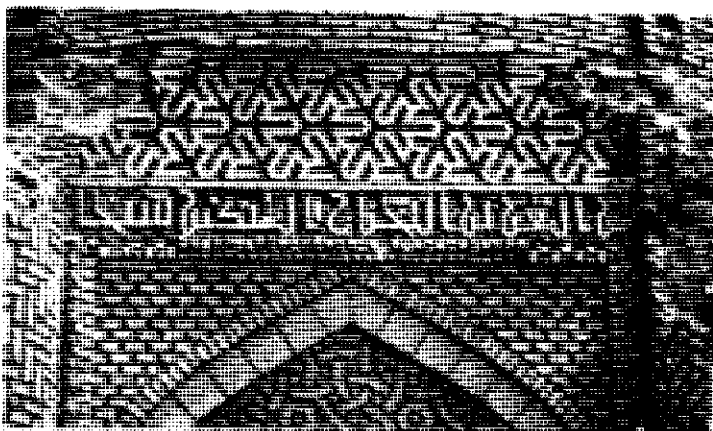
تصویر ۲۲ - الف کتیبه ضلع ۲ برج دوم



تصویر ۲۲ - ب . کتیبه ضلع ۴ برج دوم



تصویر ۲۲ - پ . کتیبه ضلع ۵ برج دوم



تصویر ۲۲ - ت . کتیبه ضلع ۶ برج دوم



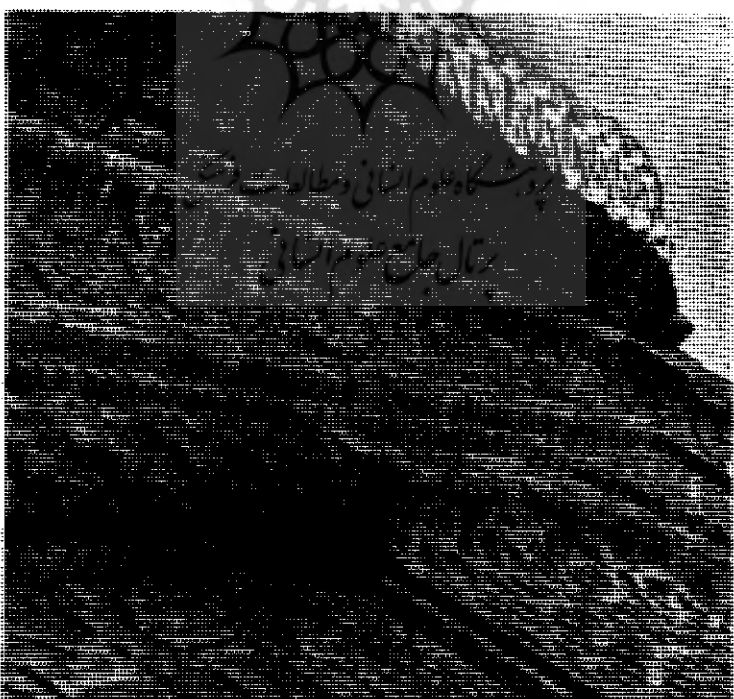
تصویر ۲۲ - ت . کتیبه ضلع ۷ برج دوم



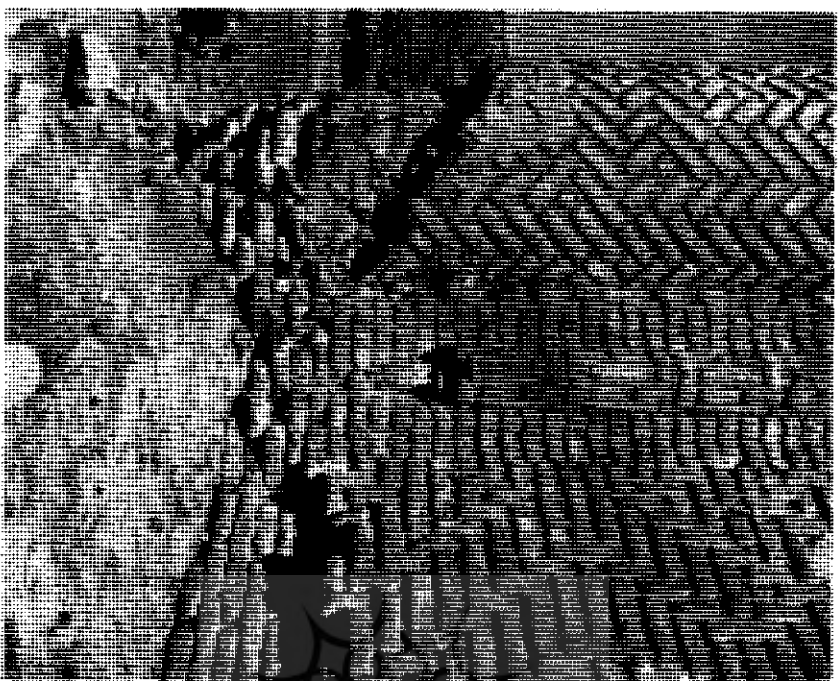
تصویر ۲۲ - ج . کتیبه ضلع ۸ برج دوم



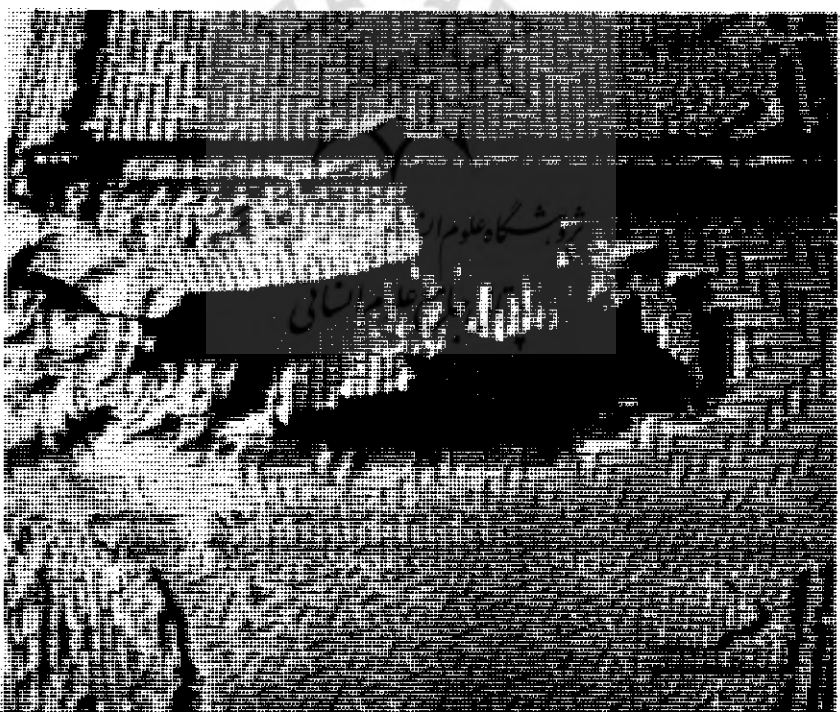
تصویر ۲۳ - ب . قسمت بالای پله های  
برج دوم



تصویر ۲۳ - الف . قسمتی از بالا و طرف چپ  
ستون برج دوم دیده میشود



تصویر ۲۳ - ت یگی از ستونهای برج دوم که پایه روکش  
تزیینی بنا دیده میشود



تصویر ۲۴ - پایه پله های برج دوم

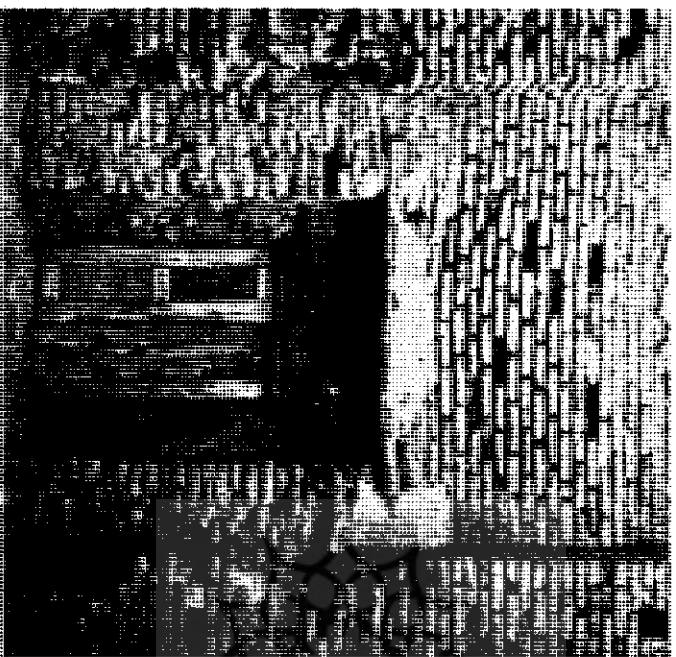




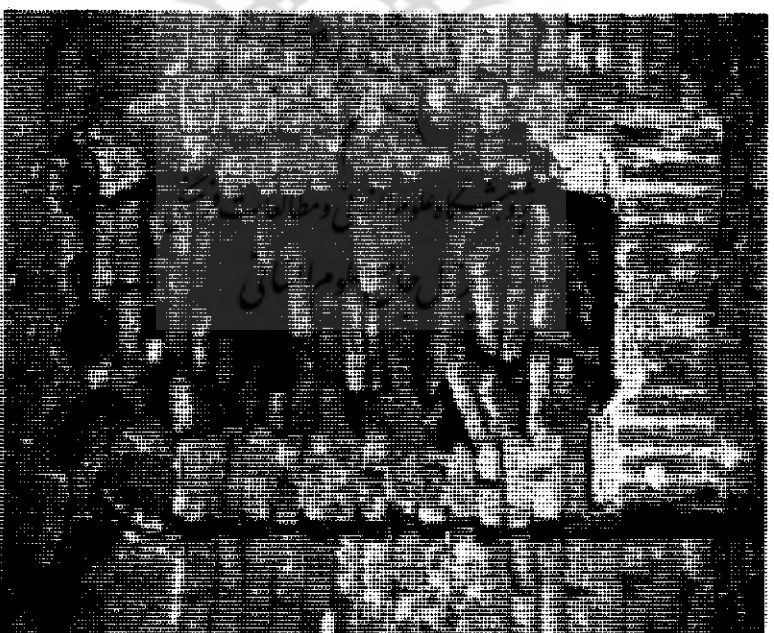
تصویر ۲۴ - ب . قسمتی از محراب برج دوم



تصویر ۲۴ - الف . قسمت داخلی برج دوم



تصویر ۲۴ - ت . ت . در ورودی اصلی برج  
اول که از داخل دیده میشود



تصویر ۲۴ - پ . پ . قسمتی از درگاهی برج دوم